

۲۷

نشریه امنیتی نظامی

شماره ۱۴۵۳

در کتب و دست‌نویس‌ها
از اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نشریه امنیتی نظامی ۱

مهرماه ۱۳۵۶

مقدمه

و تقا !

ایشان این مشوره از نشر اینست تقاضای که در مرحله جدید و با مسئولیت
گروه منتشر میشود پیش روی شماست .
بجای پرداختن به بحث فنی در اینجا میخواهیم غرضی عمده از جنبه
داخلی مربوط به این نشریه را به عنوان مقدمه بیاوریم . چنانکه این بخش را میخواند
تا اندازه روشنی از طیف ضرورتها و چگونگی آنها را که انت این سری از نشریه با
محتوی مدرن نظر را الزامی ساخته . بیان نموده و به عبارت دیگر مسئولیتی را که گروه
نشریه اینست در این ضرورتها و ارتفع شدن این نیاز که بر عهده دارد روشن ساخته
و از طرف دیگر وظایف ای را که بر عهده در جهت ارتقاء کیفیت آن دارا میباشد
بیان نموده است .



انت این نشریه اینست تقاضای از چه ضرورتی پیروی میکند ؟

این ضرورتها را به دو دسته میتوان تقسیم کرد :

- I - ضرورتها و عاقلی که در گذشته نیز انت چنین نشریه را الزامی میگفت .
- II - ضرورتها و خاص این مرحله و انت این نشریه .

ضرورتها و عاقلی را میتوان به عبارت زیر بیان نمود که اگر در اخبار و وقایع اینست
تقاضای تجزیه و تحلیلی جمع نموده و استخراج قانون نموده یا حکم بکار نماند و ارتقاء این
حالت فاعلی تا سطح تدریس را نهادن ضرورتی که بتواند نیازهای کارکنان و بهر حال بهر
راهنمایان و هماهنگی باشد و بهر حال اینهاست و ناگفته نماند که در سری بهر ضرورتها
و از این جمله است میزان را در قبال ضربات نیز در کار پلیسی و تقاضای

- رخصت کجا اگر ممکنه ہر سہم

دقوعم: ضرورتاً رخصت ہو جائیگی:

در مرحله اول که جنبش انقلابی و زمان ماضیات سختی را در یک دهه اخیر تحمل شده است، در
مرحله دوم که تغییرات اقتصادی - اجتماعی جامع تغییرات شخصی را در خط مشی سبک-
استراتژیک ما الزاماً تا کنونی می کند که جنبش انقلابی از کف خود در این منظره جنبش
نزدین گوشتی است) برای رسیدن به هدف نهایی خود باید یکباره الزام آورده شود -
است ، در مرحله ای که دوران آن گذر انقلاب از هر سو با چهره میانی اندوخته ها و عوامل
منفی آن چه در سطح جامعه و چه در سطح جنبش انقلابی مثبت برمیکنیم ، در شرایطی که
سازمان خود را ضریب سختی را از دست دادن بچشم خورد و دلی یعنی روشنفکران بودند و ا-
لیرالی که خود را در صحنه سازمان پیوسته با جایزده بودند ، هدیه است و هنوز هم
آنها عواقب سیاست ، سلب کرد ، نقطه نظرات منطقی آنها و هرگز لیبرالی که داده
گوشه و کنار زمان ورز زمینه گ مختلف چشم میبرد ، انت ریشه امنیتی نظامی
ضرورت خاص میباشد که مسأله انعقاد شخصیت ، آرد محتوی و مفهوم انشائی و آنچه از گذشته
این ضرورت را مبتدیان تصدیق نمی نمایند بلکه بر سر دارند :

۱. فردی که از او هیچ خبری نرسد :

[illegible]

۲- - دینی و ایجابی شریعت مساعده در راه های آن در این مرحله به عنوان یک وسیله تاکتیکی جهت دستیابی به این شریعت مساعده نفس و غیره ای احراز خواهد کرد.

۲- قدرت اصلاح وضع آشفته، غیر متکرر، نامیکر و... کامیابتر است یعنی نظمی که در آنست بیشتر این شرع در یک نام اخیر و جدید داشته است. در پدید آید این وضع اگر چه مستحق نام و از عوامل غیر از جهت فزاید و از دید سازمان، اجزای نامگذاری و... رعایت داشته ولی بخش تکرار این وضع عوامل قابل احتیاطی نظیر کمترین نسبت اهمیت جدی و موردی از میان کمتر است. نظری و کامیابتر در کشف نامگذاری جدید پس از رعایت نامگذاری خودمان و... و کمترین از اجزای نام اصلی است یعنی از اجزای نام فاضلین از تکرار جدید محمد که در یک بعد است و نسبت به شرع این شرع را به عهد داشته، و چند نام به اخیر بود است.

[illegible]

۳۴ - ضرورت را بر اثر ترکی و تکیفی ای که در بر صفتی با اجماع ایجاد کرده و
شده که در ~~صفت~~ مستقل سوخت داره و افعال ارتباط مستقیم ، فعال و منفعل را
به حد اقل ممکن که منبسط می شود و ملازم می باشد از که در تمام زمین و منبسط می شود
استی و تقاضای جهت انتقال خبر یک دست در دو سطح و زبان بین از پیش در
از آن نوری درون نیکوای از جهت نشر استی تقاضای یک کیم

۵- در علم نفسی بدین جهت گیری است که از هر یک از این جهت طبعی که در علم نفسی است -
تاکیدی ای که در ارتقاء با محیط و با هر یک از این جهت (فرد این محیط) تا آنجا که با علم نفسی
طبیعی تا آنجا که در این جهت طبیعتی یا عقلی یا علمی که در این جهت تا آنجا که در این جهت -
محیطی که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
تاکیدی تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
و با هر یک از این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
و محیطی که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
با محیط و با هر یک از این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
از هر یک از این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -

۶- در علم نفسی تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
تاکیدی تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
دارد به هر یک از این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
وجود دارد در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
سازمان خود را تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
جزئیات حرکت تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
محیطی تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
نظمی را تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -

اینکه آن فرد را تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
نظمی تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -
تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت (فرد این جهت) تا آنجا که در این جهت -

۵
مکتب کتب و نسخه و غیره از راه بار و زنده شدن امنیتی الزام آورده شد که نشریات امنیتی -
باز به هیچ باب این فضا را به همکاران و غیره در بر خود نگذارند و فعل تمام رفتن میسرین
گرفته که به عند الحکام وظیفه شش نفر نیز داده
این همکار میگویند در شکل ارائه تقاضای تحقیقی، تکمیلی و استنادی را طرفه
پیرامون جنبه است نشر و چه بعد از عمل در هر نشر و چه بعد از عمل در هر نشر و چه
نشر و چه نشر و نشر امنیتی صورت گیرد.

فصل اول :

رَبِّهِ يَاجِبِ عَلِ تَاكْتِي ضَرِيَات

نفیس زیر نفیس است که در سطح یکی از زرد و دیگری از سفید کار و صرفاً از روی
 لایه‌های نفیس و به نشانه‌های نفیس - نظامی ارائه نشده از آنجا که نفیس در زیر در مجموع
 ابله‌ترین جمع بهر و نفیس تا کنونی ای است که از "فزیات" دارد و نفیس در این
 ماه اساتذات "افیه" در سازمان برآمده است و نفیس به دلیل ضرورت طرح فرد در آن
 در سطح هم سازمان و بر فرد تمام وقت و آن ... این نفیس را به درون هیئت نفیس یا
 اصلاح یا از نظر ... در این سازمان نفیس جایز کرده ایم به هر است در نگاه
 بهر نفیس نظرات خود را در مورد این نفیس همراه با نظرات انتقاد در اصلاح
 نفیس ... وقت و ضمناً ارسال خواهند کرد به بهر نفیس به بهر نفیس
 این (جای خواهیم کرد)

گروه نفیس - نظامی

✓
جدسی ضریبات اخیر از دیدگاه تاقلی

مقدمه: سرخ کبر و نقیب از سوره در دیرینه پیش سایر اوان بهار
پس روده طی شش سال اخیر به اشکال گوناگون - و همواره متکثر و غیر متناهی -
پیدا شده و در اثر آن است.

در سال ۱۵ و طی شش از طریق تأسیس و التماس و تبلیغات مختصر سرخ و از آن
پیدا کرد. به نقیب طوطی و به حرمه و به جلد شید نام صادق - و به هم و به آن
پیدا است و از این طریق به بیمار و به بیمار و به دست یافت. هر چه اول شد و
نیمه این چنین بود.

عنی بودن و نشود از زمان - غیر معی در نشان و معنی و کشتی شد به پیش
عالم می در افراز نشان و کار آبی نقیب دیگر. به می و دست و به سخن اجاره
می داده و به خاطر آورده و به نقیب را به طوطی او را داده و به نقیب و به
هم به پیش و به آن که هر از آن که در آن شده.

معنی شدن و به در از دست و به اول شد و به به است از این و به
بیمار از سرخ در به می و به که اشکان سرخ کبر و دیگر از طریق آن و به دست
به از این و دیگر. به معنی معنی و به در و به که و به دست و به معنی و به است
به از سر و به سرخ و به در و به که و به دیگر. به این و به نقیب و به معنی
و به که و به که اشکان از دست و به سرخ و به که و به سرخ و به است و به
ادان و به هر و به که و به - به معنی - به در و به و به که و به اشکان و به
به تر و به کشتی و به سر و به معنی و به سر و به که و به سر و به که و به سر و به
نقیب و به که و به دست و به معنی و به دست و به به سر و به که و به ادان و به

۸
وقتی نامرست و آن یکی از غنا حریفی سازان - نمرالد اسما علی زاده - را در می کشد
نیز او را تا سر قراقرز بجا هد سینه بدول شلین خام نقیب می کند. پیر از انام این
را به دشمن و اسما علی زاده را دشمن نقیب سینه شلین خام را - که معنی و غیر
معنی کرده - ادا می دهد. از این نقیب ۳ خان باقیاهی شلین خام رسیده و ضمه
مست شده - باقیاه طایفه غنا هر چند در آن جمع نفر - را دشمن می کنند.
مردگان ضمه تر از نقیب و نزل را در ابد اس سال ای می بینیم. دشمن
بدست چند روز غنا رسیده عیب رهبر و رهبر رضایی را تحت کنترل می برد
و در همین بدست از آنجا در سر قراقرز ۳۰۰ نفری سینه بدام آرام می کشد.
هضه این چون دشمن بر سر نهاده اند که دشمن از چو سر می نقیب رفتار
شروع کرده است چون نقیب دشمن تر تر است و استقامت و امثال زبانی تر آن
تفت وقتی وقت سر جمع چون شده و در در خود رایات می کنند و دشمن ایستاد
و رهبر غنا هر که رفت را در خلال نقیب شفاخته اند و در شافن تردد آن را که به
هم در خلال نقیب شفاخته شده و وقت می دهد و در این چنین رفتن سینه بدر
رضایی دوباره غنا در آن دشمن بر خود می کشد و در رفته دوم دشمن رسیده و یک
دو پیران و دشمن را در رفتی رهبر نیزه ایستاد بر خود کرد و سینه سیدد
پیران این چون دیگر نامتی بود در از نقیب غنا معنی در دست نه دارم و
نامی پیران این ضربات را یکبار در می کشد و تا نقیب در رفتی در می کشد
که دشمن در آن بلع از نقیب پیر و تجا و نیزه مارند و مارا نقیب کند و البته
نقیب را - که نسبت به امر در بسیار است - در می بینیم و به تمام معنی
بودن باقی را قتال داشت ضربات را بر سر دشمن دارد آورده و از تر حایج توپها

نیت از ادای ای به دست مؤلف محترم رسیدن به مفسر حقیقی برادر عمل
میکنند. این عصر تمدن نسبی بین مدت آنست و تالیف (برادر مؤلف در زمینه
تقیب و ضد تقیب است.

از بین رانده ۵۵ دست مؤلفیه در باره اسرار ما دارد میگذرد
آن الیپ (مشتی) است و در این مؤلفیه در حدیث ما آمده که دست را ب
کام تفسیلی جلد میزند و از این و در این است و این است و این است
که از آن جدا است و مشتیه سی و چهار کاران لغوی و بیرون بخود در (الف ۵۰)
موجود و با ما در این عهد ملی امر مستط حقیقی و در رضای میر محمد در دست
یقینی (از ادبیات ۵۰) و مشتیه این رفته بدون هیچ و دیگر متنی و تنها بدل
فرد الیپ (مشتی) در دست رفته و در الزامات امین هدیه بر مؤلف در زمینه دولت
در دستیه بیشتر در زمانه که با پنج صبح هم آن را انبیه کرده و تالیفی در سطح تالیف
خود به دست برقرار کرده و رسالت خویش را با سر کهنه.

در طول سال ۱۳۰۵، ۱۳۰۴، ۱۳۰۳ ش غایب دست درم فرد با ما همان
سویه قدیمی و دیگر از طریق سیاحتها را کرده و در مشتیه سیاحتها در دهان گذرده
سیرشان و گشت و از آنجا در زیر شنبه (استاد از آن سر گذر کرده و غیر
تقدیر است.

و مشتیه نیز به ارور را بطا مفید و مشتیه غزل ناهی و مشتیه مجاهدین
سید کاظم ذوالافواه و هوشمند خنجر و صدر محسن و ... در سال ۱۳۰۵ و شهادت
رضی در سال ۱۳۰۲ عمره نموده و می از این جویان هستند.

در طول این سال تقویت الیپ در گشتی نیز ادای داشته و مشتیه رضی

از بیم رستگار در زندان ۵۴ مستقیم در رابطه با کنترل در حقیقت یعنی ایکس صورت
رضایت است منتها به تدریج کرد که کامی ایکس (در این مدت در مورد ما بسیار مفرط بود
و دوست قریب با اتفاق عزیمت ما در رابطه با هر کار کرده و غیرت میدانی که
توجه آنها را کجرات در زندان داشته ایم و در داده است.

تجربہ بخود در رفتار سازین مابین دسٹر در سال ۵۰۵ - ۵۱۰ را میرزا محمد
تقیب الدین و میرزا آقاخان می دهد که دسٹر علی ابن مدت دسٹ تقیب
با عداوت محض و سطح مارا اندر برقت و بحضرت سیدی عبد الله محض بیدار است اما بعد
و در او مرده است (۱) آه در سطح جنس علی ابن مدت برادر دبا و مدت تقیب
شاگردش و محدود عداوت محض و سطح می زند:

مختار از درجۀ پنجم ۵۲ هفتاد و دو عدد است که در آن از درجۀ ششم

(۱۱) - حیدر رضا دودک نسبتاً سیرج جویان نقیب قرار دین سید رضی له
یک مرتبه اسم خود را طایفه رضا سید و حبیب در هنگام می خوردن دسمن و در شیر
سینه آینه و قرار دین بهرام اکرام که چند روزه دارد قد شده بود و دسمن آزاد علم
گرفته بود محمد عوامی هستند که اقبال براسر آنها دسمن آزاد را این نموده در سرد
خانه رضا خود را بر کرده است و اگر احیاناً بودند نیافته است. انبیه بر خود علم
الهی دسمن قبله هم خود داشته شد فیروز در در سرد قرار دین سید احمد رضی بر آس
تخت خشتان از فشار مایه ای ترین مایه ترین آرائی نظامی را بخود گرفته بودند و
پس از این جویان دین سید سید میر محمد صادق می خورد و می گفتند تحت تأثیر می خورد دین احمد
می خوردند او را طایفه می نهند و از این می خورد و می خورد. اقدام بر اسیر کردن خود را می نهند

سال ۱۵۰۰ که غاصر دشت از نظر آزادی عمومی و تجربه ناکسلی و دوح ترضی در سطح باطنی
 رفتند. نقیب غاصر عقی و دلی را یک خطی می بینند جرات اندام آن دارد
 خوش نمی یابد و نام غمر و غمره و غمر غاصر به ساد و برترین راه - عمل اول
 آمده - بدین می شود. ولی یک دو سال بعد که در خلال پیرائیک ضد حسنی علی اثر
 توان می علی نقیب چنین غاصر را یک کرده است. دیگر اثر و یک را جهان
 در خطرات نمی بیند و شروع به تجربه آن در سطح محدود می نماید
 و بدین نکته که در جبهه نقیب رتبه صدیه و نخستین تجربه دشت در دشت
 خود بود. برخی از بهترین کادر در دشت و تجربه دشت جهان و فرد دیگر به نام ستار
 جیس که بهترین رهبر کتیبه و دلا و مملکت تمام امن است. مستقما و از زاری و شربت
 غاصر شده اند و شربت و احببت جیس این نقیب را بهار و دشت. لیوان یک قول یعنی در
 قاع بکره در ضد حسنی اثر نشان دهند
 و محافت و بر خود بقا صمیم و الزام می که دولت اکیب در شش بر محسن می بود تقسیم
 دولت او محسن در محدود کردن دولت. استند. از نقیب نایب و ... از یکد
 و محدود بودن ایب (از نظر کلی) محدود بودن و اندام آنها و اسباب ای بودن تجربه
 آن از سر و قیو در مجمع دولت صفت که ای ایب در دشت می توان گفت
 مردم کارای آن (در دشت می غاصر محسن) و دشتی چه یک علی (در خلال سال ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱
 شد. این ناکامی دشت را به هر طرح نظامی نگرفت. خاکگرد و سوت داد. و دیم این طرح
 و که مستلزم صرف نیرو و زادان بود و در غیر حال سال و دشت میانی در اوجت و دیگر
 و دشت و دشتی ای می کرد. بدین اسب که به انداز این را غرضی مکرر شش به جیس دارد
 که در دشت و دشت

این طرح در میان هندو، بر و انعطاف نیر و لایحه‌ای که با نام مناسبتی، کشته‌ها
منه‌نیزه‌ها و غیره، بخت کامل انجامید و در سن در آن سال به این طرح، اکتفا
و از او این سال به نیر و لایحه‌ها و سایر چیزها و غیره، که در آن سال
کشته‌ها، از این کی و کسب الیه در آن سال

۱۔ تکامل تالیف نقیب در سال ۵۷۰:

[illegible]

هر ضربه و شش زدن می نه به تنه صاف و نه این ضربات و نه می به ترضیع ساده آن در
 اعظم فتنه و در آن فتنه و بجا ترضیع و تنه به حمله سر می و قهقون ساز و غلامه

۱۰ - الان به جرات می توانیم بگوئیم که این صورت نه تنها در سطح روان جسمانی بلکه در سطح
روان سازمانی نیز اعمال یافته است و این در صورت تحمیل صحت نه و حتی در وضع ساده
جگر و کلی و بعضی فراتر بر کار دارد و این چون چه بگوئیم نه این و کل جسمانی می توانست
بسیار خفیه زودتر - قبل از آنکه آن فراتر نماند و گفته بود فراتر این و بگوئیم و در ادایم

تقدیمی رتبی حقانی و دستگیر رتبی شهبه محسن لطیفی و دستگیر رتبی طریقی الاسلام
 این بود و طبقه بند رسیده از از ضربات مادران ۵۴ . منظره از در این
 منظره منظره آن نقطه منقش است که از آنجا ضربت برداشتم . باور بر فوق منظره بود
 ضربات مادر منجه هیچ ناکتیک داشته از ۵۴ ضربات آنرا در گذشته داشته باشند
 منجه ناکتیک بقاصبه در این ضربات . افزاینی که با منجه ناکتیک است . دلی مادر
 میزان نیر در عقیقه ۵۴ دهن . بر سر این که برتر کرده است . با هم ضربات مادر این
 ناکتیک است .

ضربات رتبی رتبی نیز که منجه در رابطه . منظره ناکتیک در رتبی . باشد میزان
 ناکتیک نیر در رتبی رتبی منجه محسن و رتبی از این قبیل بود . و این در مجموع
 بر رتبی ناکتیک منجه ناکتیک در رتبی . نیر در رتبی ناکتیک ناکتیک ناکتیک
 و این در رتبی ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک . از این بود که
 نیر در رتبی ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک . نیر در رتبی ناکتیک ناکتیک ناکتیک
 ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک .

نیر در رتبی از منجه من
 نیر در رتبی "تقدیمی" بودن این ضربات بدان منجه ناکتیک که شلا منقش از ناکتیک
 ناکتیک رتبی صورت رتبی این ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک .
 نیر در رتبی ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک .
 ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک
 ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک
 ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک ناکتیک

بدرسی تالکینی ضربات جنس در سال ۵۵

از ابتدای سال ۵۵ در نیم باصبع بند از تیغ نقیب دستر در دایره چوب کدر
 ندای او را نه من ناصر اکب و شرف دست مای عنای صفتی مع و اثنای پشته
 تالکینی و تالکینی و کار از در دایره بند دستر ، تقسیم می کرد و نیز در هر چه بیشتر را در
 نقیب انقلاب بدین مراتب سر نمی که از طریق نفوذ مستقیم و غیر مستقیم با تمام عنای
 آلوده و ... از آن پدید می آمد ، سرگزشت در

محمد و مانند نیر در دایره از نقیب در پوسته شرف قدر در شرف عنای
 با در آن عمر و دارا ارتباط گزیده غیر تکلیف و آلوده تها رسو و ... هفت
 و دو در دایره تالکینی چون گزیده سر در دایره در همین پوسته و در دایره همان زمینه
 مستقیم است که در نیم باصبع بند از تیغ نقیب دستر در دایره چوب کدر
 در دایره این زمینه ، در نیم باصبع بند از تیغ نقیب دستر در دایره چوب کدر
 و آنگاه ، نقیب طوطی و پیچیده آن ، باصبع بند از تیغ نقیب دستر در دایره چوب کدر
 در دایره ، در دایره تالکینی از اصلین پدید آمده است بزده در دایره عمل نمی کند ،
 بلکه ملحق از دایره تالکینی در نقیب گزیده ، تمام تلاشش صرف است این نکته است که
 گزیده " صلیح " نشود و پدید آمده باصبع بند از تیغ نقیب دستر در دایره چوب کدر
 بهر دین است ، می بینیم در گزیده باصبع بند از تیغ نقیب دستر در دایره چوب کدر
 این نظریه استفاده می کند چنانچه در دایره تالکینی از اصلین پدید آمده است بزده در دایره عمل نمی کند ،
 گزیده در دایره تالکینی از اصلین پدید آمده است بزده در دایره عمل نمی کند ،
 باصبع بند از تیغ نقیب دستر در دایره چوب کدر ، باصبع بند از تیغ نقیب دستر در دایره چوب کدر
 باصبع بند از تیغ نقیب دستر در دایره چوب کدر ، باصبع بند از تیغ نقیب دستر در دایره چوب کدر

مع استفاده می کنند تا احتمال گشت شدن کنترل را - در کیفیت از دست رفتن
 موزده - تخفیف دهد. در واقع دشمن بواسطه کیفیت در زمانه دراز مدت تر - کمتر
 موزده - از کیفیت در محدود مرضی در وارد آوردن ضربات بر آنگاه و محدود در که
 کیفیت بر نه دراز مدت تر را بخاطر اندازد. خود وادار می و درود - سنده را بیشتر می گانیم:
 ۵ - در مورد چگونگی سرنوشتی خلق و مبتدا نمی دانیم و در همین از چه سرخ یا سرخ در پی طرزان
 در دست را شروع کرد (۱) آید از طریق رابطه آنها: گروه بیسی و نفوذ ستیم و ... (۲)
 یک نکته را می توان یاد آور شد آن تا سر در کشیده می در دست و دست سرنوشتی
 است که انسان هرگونه رخنه و سرخ گیر را بیشتر می دهد. مثلا اگر ظاهر زن جوان
 کشیده می توان (در سال ۵۰۵۰) غیر هم در رابطه کشیده - آلودگی در کشیده
 بیسی و سوانی زن و در دست از هم. چوب های معنی شان ۱۰۰۰ است و مات
 در کشیده می یک دانشمند (در همان زمین معنی برین) بطوریکه از پی و معنی خان
 یا می قزوین سه نوز شان از همین عناصر فوق برآید. برونه و صفات فوق اندر
 آلودگی بیسی و چوب های معنی و ... (۱۰۰) و باید افراط و تفریط در هر کدام سابقه یک

(۱) - در ادبیات اردو به نسبت ماه و منی بیداری از چگونگی سرنوشتی بیشتر شود و تا هم و یا می در
 یا می و یا می (۱) اقدام به تخفیف می کنند و می چیده و در نتیجه خود مشکلی را اوقات و یا می می بینند با این تقدیر
 و منی می کشیده است و از ادبیاتی برتر و یا می نیست چیده و یا می با منی کشیده و یا می کشیده و یا می کشیده
 و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است
 و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است
 و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است و یا می کشیده است

و در حال بار زندان داشتند و بالاخره هنوز حالتی نیمه عفی - نیمه محفی داشتند و در سن

در طبع نقیب کمی در همین عاصم باقی ماند.

استفاده روابط به تنهایی کافیست و سرخ اولیه را به دست می دهد. کم تر جوی و آب در
 در این مردم حیاتی با روزه آید که در یک و در دو روز - حتی سه روز در دو
 صبح استراحت است و در روز نهم به دو روز دیگر صبح آن به وقت به صبح
 می دهد - و در بهر شکلی استراحت است که وقتش فراوان است و در سن
 خطای که در این آید به بهر استراحتی کافی داده و تا کثیف در خوشی را با سبب
 آن در تمام دهانه صفت در خود را ثبت کند و در نیمه دست با
 استفاده از سهیل و شاد و بی ای احاطه شود و عدم کنترل و عیسی در ... رفتار
 و آب از آب گرم می آید که در دست را در دست در دست از سبب آن که در آفتاب
 آب و در این طریق به رفتار فدا می داده و کرده از سبب آن تا کردن در حقیقت به سبب

در سن

که در هم و در هر دو یک از هر دو به سبب این نباید به واقعات سخت ز سبب
 در سن - در حقیقت به آن آید که در دست را در دست در دست - در نیمه دست

(۱) - کمی از این باقی مانده در این مرحله در دستهای و کنترل دست و در گرفته بودند
 باقی مانده و در حقیقت به آن آید که در دست را در دست در دست - در نیمه دست
 سبب آن از سبب آن در دست را در دست در دست - در نیمه دست
 این در دست را در دست - در حقیقت به آن آید که در دست را در دست - در نیمه دست
 در سن - در حقیقت به آن آید که در دست را در دست - در نیمه دست

میل و رفت تا دوباره از نزد من را بخت و داین به خود و هر دو در جمیع سلسله را نیز
جام خود کشید.

در فصل ضربت اردیبهشت تا تیرماه و نیز قادی میر از ضربت تیرماه و فشار فدا می
شد و دیگر در در خداداد همین و بطوریکه کند و رنگش و کند شد پس هر دو در آن رنگ
داین رفت و در می دهد این ضربت و حملت تا حد ادامه مستقیم همان درین نزد
فیر و نقیب بوده باشد و تا حدین بجز اعظم آنکه باشد ظاهر آهائی نقاد می داشته
تا وقت را در همین اجراء قرار و وقت در شد و تمهید ... بهام انداخته باید در بطور
و تمهید:

و نیز تا ضربت اردیبهشت به وقت زندان آمده بود پس را در در حین کنترل
و نقیب نیز تا وقت و از آنست (در ضربه و از آنست که کاسته و اقامت مستقیم
این آیه) را برابر و مستقیم و غافل و غفلت کنترل و در کنترل محدود کند، اگر
قرار داده (در حق و ب برابر و این است) را قطع کرده باشد تا به اقامت نقاد
و نیز این آیه در در مستقیم و غافل و غفلت ... بهر حال به جانب و در این نیز کنترل
نموده و هر کس که نقاد کرده به از دست و من سر کرده و به خطه انتظامی کل طرح
نموده شد و میر از ضربت اردیبهشت به که در می کار و بیک و استوار شده می نه ارد

(۱) و بگفت آیه در ضربه و به خود و هر کس که از اقامت عمل در یک غفلت و غفلت نماید
که اقامت و بیک بوده و در تو و در این کنترل است این اقامت است میزد که سر و
سنگ بدون خود را از دست به به بلده و فشار هم یا شاهی و در فشار و در خازن می
این سر و به این است و آنکه بگردد است سر و اقامت به تمهید می نماید در همین صورت

باز تکیه نمود در روضه انوار ایوب و رشت را بیدان می زدند. اینست که
یکه ده شادکار آبی می نیکو ایوب را آنهم تنها در روضه با چوبه های هندسی
چیت

میر از فرم اردو بیست ماه ایوب و هدف کمر شمع و محدود و دقیقاً تفسیر شده از
در فیه بنا و کت می گشت. این ایوب که در خلال بین تعین چهره بسیار از رفتار
مدامی را شصت و اسیه یکدیگر می نواز آنها گشته اند و در سیر در نزد این رفتا -
که باز هم در خلال تعین شصت شده - گنبد کرده و در جبهه روضه در آنست محدود
نظر دارند.

شصت می ایوب و از چهره رفتا
محدود شدن منطقه عمل - سیر در تردد و تمام شده و گشته و شدن هدف و عمل
شماره ده و در غیر محلی (محدود است) همان عملی است که به است از این شده یکبار
آبی آنکه در روضه با رفتار هندسی شده است. منتظر از این بود رفتا هندسی می و
خوب است و آشفتگی در روضه از آن محمود و بهتر است. حرکت را در روضه داشته باشند و
از این بهتر از هر یک دیگر در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه
بزرگتر. سید که چرا و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه
شده ایوب و در این مدت و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه

در روضه از این به بقایا همان سرچ استاده می کرد و با به بگذار که آنها از روضه
خارج شوند و به تعین بگذار که در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه
و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه
و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه و در روضه

همه مدح حق بوده دست برین ضربات هم سه استه چنان آنان را بر دافعت
ست جنبش باز کند و بر آن دارد که با ای سر مدست بپایه ساین جنبش بر فرد گردد
بما بر دافعت هم الله که کار بر سر خود غایب و خود ستاوند از اندام معمم صدقت نسبت
به مصالح حق و جنبش به هر چه برین دافعتی ترین شکلات سازین خود
حق و شافقت محبت ضربات بهر دافعت از اندام سر دافعت اقدام مجدد در کمال بهر کمال
یک تجربه از همان کار که نه آخر اهرام دیده که در سر دافعت سازین با هر کمال در دست
نزد نشان می دهد که دست و کت خشن را به چه حد هدیه را نه و براب بر حق
شخص رعین رعین را به چه حد بهر کمال از سر دافعت سازین چه یک رندای حق و
الدم و دافعت هم از این استقامت است.

در جریان این روزگار و تقیبت مجدد از هر سازین چه یک رندای حق بکلی
نقد می شود و دست برین دافعت از سر دافعت خود را از کمال البیاب در کمال دافعت

اینست بر سر تقیبت ضربات و دافعت سازین چه یک رندای حق در سیه اول سال
ده دافعت از سر دافعت خط می کشی دست را در بارزه به جنبش در سیه اول سال ده
خود بندری کنیم:

با دافعت بر خط به جنبش
(۱) - ایراد از صفات می دهد که دست از سر دافعت از سر دافعت بارزه به جنبش - در ایراد
براب بر ضربات دافعت بر سر دافعت و دافعت از سر دافعت و دافعت از سر دافعت و دافعت از سر دافعت
نقد می که عموماً مثل نافذ بودن و حرارت خود را دارند به دافعت می دهد و دافعت از سر دافعت
این ایراد به پیکر یک خط می دهد به دافعت و دافعت از سر دافعت است.

۱- سرخ کبر را نفوذ کنیم و غیر مستقیم، تا سر به سیاه تار آورده و عناصر

مضافه شده ...

۲- نقیب و کتر که سرخ را در این مقصد رسیدن به کمره و سرخ هار هدیه

کف یا چاه، کف تا و سیر در تردد ... (کتری قدر در ۴۴ یا ۴۵ بخیر در سبزه)

۳- وارد آوردن یک ضرب شده به کلیه نقاط مناسب شده.

۴- هجوم ایکب در اثرش کجاست به ضربه مقصد و وارد آوردن ضرب در هنگام

وقت و تحفه ...

این ایکب را با استفاده از شفا که از قیود رضا و سیر در تردد آنها در طول نقیب
کب کرده و کتر را می از رضا تهیه نموده اند. دنبال هدیه را شکر، محدود و مضافه شده

که در محدوده ضامن شفی (هسته و این شکر بدون محدود بودن هدف محدود بودن
مضافه جبهه است از این شکر شده و از زمان کار آنها می شود.

۵۵ بررسی عمل تاکتیکی ضربات طرد بر سازمان مادر سال ۵۵

۵۵ اکنون ۵۵ خط می کلی دشمن را در شب به جبهه طوسان ۵۵ بخور بندر کردیم

به بر ضربات وارد بر سازمان حمله این مورد می برداریم.

محسین مورد عمل دشمن سرخ کبر بود و از سه طریق در عرض سرخ کبر و در طوس
قرار داشته ایم که بماند از:

۱- از طریق تار با گروه را انجام دهه

۲- از طریق ارتباط مستقیم با گروه و پس

۲- از طریق ارتباط مستقیم با گروه پلیسی :

رئیس شهید حلال دهقان که تا سر رسید رهنمایی باستان داشته است ، با فرد پلیسی
مردی که در ارتباط قرار می گیرد و از این طریق سرخمدت پلیس می افتد .

رئیس M در ادامه بهت ۵۵۰۰ میر از مدتی قطع ارتباط با رئیس دهقان تا سر گرفته
و ادراک رئیس ES مقص می کند و ارتباط مستقیم خود را با در قطع می کند . در این زمان
رئیس M هیچ خود شکلی نمی بیند که رئیس ES در سر او این قرار است . رئیس دهقان خود در
شکلی شاهد می کند . رئیس ES میر از او را قرار بایه ملاقات سلاسی او را بر اثر فشار
جستجو می داد و بعد از این صحبت با دهقان او را می دید . میر از او را بر عتیر قرار در
محل ملاقات میر خود شکوک می بیند (تا بعد از این خود در رابطه با تعقیب رئیس بوده است)
در نامه بین روز در سر دهقان تعقیب رئیس هیچ شکی را دیده و با او سر نمی خورد
در این داستان می دهد و پس از در حدیثه بیمار او را قرار در سر دهقان می دهد .
بر اثر شاهد می شود شکوک در قرار با یثا هر بار نمی گردد و در مقابل یثا - یثا
در بطا کریم - را تحفه می کند . با این مقدمات نظری رسد که دشمن از طریق تعقیب رئیس
دهقان به رئیس ES و اتصال از طریق او به جمع شکیبا و یثا به ربطا کریم رسیده است .
که قطع ارتباط ES به رئیس دهقان از میوه زمان از سر و نیز و تحفه یثا به است که
شدن سرخ در شده است .

در مرداد ماه رئیس M مجدداً دهقان تا سر می گیرد که این تا سر تا ادراک مواد
طی رهنمایی ادامه داشته و پس از طی میزدان در شهر به رئیس M در راهی یثا هر
- در راه یثا - خود شکوک می بیند و یثا را تحفه می کند .
با این روش می شود که دشمن از طریق دهقان تعقیب رهنما را آغاز می کند .

آن خبر فرمایند و تحفه شده و در آن بیان در باب اکرم بایست باقی نماند (به اضافه آنکه بعضی)

از خود را نیز بپوشد و رنجا)

چند ماه بعد که بنیت سید اکرم را پس از خبری که بر او رسید بر سر تحفه گاهی بپوشد و می رنجد
این بنیت را داد و فرمود که بپوشد و رنجد که گفت می طلبد و بنیت در این بیان بر آید
رنجد و سید را در وقت سحر را بخند و سید را در وقت سحر می رسد.

بنابر این می توان نتیجه گرفت و در ضمن از طریق دهند ← ES ← حاج سیدی
← بایست که رباط اکرم می رسد. سیدی رنجد و سید را در وقت S آمدن سید سیدی می کند
در ضمن در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد
آوردن حریت رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد
هم اتخاذ نکرد است) از معن در رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد
و فقط می فرمود و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد
سید و سید را در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد
بایست که رباط اکرم تا آن زمان زیاد بوده است (اما) و در ضمن سید را در چه رنجد و در چه رنجد
باز گفت مادر اکرم و سیدی را در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد
طریق طریقی که سید را در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد
باز گفت مادر اکرم و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد
که در حریت باز گفت مادر اکرم و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد
آنسان را طریقی که سید را در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد و در چه رنجد

۳۰- از طریق تماس با گروه الکوفه نیست " اتحاد بارز در راه ایجاد فرسایشی کار"

تا و فراسفند ماه ۴۵ رتق سینه جهان با این گروه در تماس بوده و طی این مدت در اطراف منطقه ای از یثاها، رتق جهان با این رتق و آمد می کرده است، خود شکر شده شد. در اسفند ماه تماس رتق با این گروه قطع و سرخ رضای دشمن نیز گرفته شد. دشمن حلقه به تناسی چیده رتق است یافته است.

پیر از آن رتق M سولیت این تماس را بر عهده می گیرد. آن همواره رتق از تماس رتق M با رابط گروه رتق دشمن - H - رابط را با بدنه رتق می کرده و در قرار M می بوده است. بنا بر این احتمال است که دشمن از این طریق رتق به هیچ وجه گیرنده نباشد. (H رتق شده ولی M ماست)

رتق سینه حاج شفیق، شهید و ده ۵۰ نفر رتق شده در بنام دلاوری در تماس بوده فوق بوده است. تا سری گرفته. بنا بر این در صورت رتق دشمن در گروه فوق و تزلزل ارتباطات آن می دانسته است. رتق حاج شفیق در تماس رتق او بوده. خود در سنگی که این رتق در بنام است می دانند. آن ده که دشمن شکر و ام کردن از این آنها با رتق با شفاها و عناصر رتق بوده. حالت در احتمال دشمن از طریق گروه پلیسی - نه گروه الکوفه نیست - با این رتق دست یافته است.



ما در اینجا مراد از آنکه اکثر دشمن را که سرخ گیر برید دشمن کردیم. همچنین باشد.

شد که دست بر از کف پائینها که کنترل نه می شود از آن در هیچ مورد در بر پائینها
در دست افراد دست بعل نمی زند. این امر در استقباط با حفظ کار کلی دست در
این صحت است.

دست در مرحله سرخ کمر است یا نه در از پائینها سر تا من پائینها هر نقطه است
پشتان صدر، طرس، نهان، رباط کمر و پائینها سر تا من M در من سر
منقح می شود و این همه مرحله، نهان است که خط منی که در در بر پائینها
نمودن از زمان در دست کار دست قرار دارد. تخفیه پائینها و پاک کردن در دست
از دست رخت که سرخ کمر دست از ما در این مرحله می شود و حرکت در دست
این دست و نیز در هنگام تخفیه که هندی دست به محض عبور از ما - و خط منی در من
مستقیم بر این محض - دست نهفته، میگذرد و در رباط، ایستادگی در گشتی در هر
نمایا در دست دوم سال عبور نم که هر شده در دست در بر پائینها و انواع هر
در هر گونه و گذار، یک یک رفت بر ما در یکای می شد. چرا؟

دست بر از گشتی که در نخستین صحت از دست من می شد و از پائینها در نهان تعداد
زیر از دست را از آنرا و این می شد به محض عبور از دست بافت و نهان در پائینها
در رباط با فدا شدن از سر سر می شد. دست در دست که عبور نم شده که گشتی و گشتی در
قادر نیست مار زمان نسبت به خط که کنترل کند و دست را به دست و در دست
که گشت به من عبور و طبعا خط استیج می دهد که در دست از آنکه
مستقیم در خط از زمان را در بر می برد. کف و پا به می کنند. بنا بر این در دست
که به استیج که سر در من در رباط با دست خط که است که خط قرار صد از آن
که است به پائین از گشتی در دست. از این و خط منی دست در رباط با پائینها در دست.

دشمن از سر کار برادر مبارزه با ما برنگز و نهایت ایک در شش تتر گرفت (۱۱)
 ایک هارکت که در خلال تعقیب به قیامه در رفتا و سیه در تردد آنها آشنایی
 پیدا کرده بودند و افسانه عکس دیگری زنده از آنها در دست داشتند هیچ شکی نداشت
 به محض مشاهده هرب از رفتا بدون معطلی و بدون هرگونه تعقیب و دور آنها عمل
 کنند آشنایی ایک در قیامه در سیه در تردد رفتا و رانده مان آنها را در رابطه با
 مأموریت مبادی و از این دو در سیه دوم سال ۱۳۵۵ تعداد زیادی در رفتا مأموریت
 برانگیزه و در بر خود با ایک در شش دشمن شهادت رسیدند و ابر شده این واقعت
 که قوتی به این رفتا نمی هستند در مرحله اول - سیه اول سال - در داخل تر دشمن
 قرار داشته اند (سینه از این طریق قیامه در سیه تردد آنها شش شده) سمت استیلا
 خون را تاید می کنند (۱۲) در محبت کارایی ایک در دشمن درست در رابطه با

۱۷ - در همان حال در با شایه ها تخفیه شده نیز گیس زده در صورت مراجع و رفتا
 تخفیه سینه صدای فریاد و عکس را به ترجمه و فوار رفتا) وارد آورد. در این مدتی دشمن
 در صدد آن نبود که بر طرف کردن، شش سینه را به شش و از دست آوردن
 طرف خود در سینه به میزد و آنکه بر نماند در شش سینه از هم پاشیده بود. وارد آن
 ضربات مدتی در صورت اسکان سینه در صورت استیلا رفتا و مراجع به شایه ها
 تخفیه شده) تنها آشنایی بود که برایش پستی نه بود و سینه نیز کرده شهادت رفتا عکس
 پسین تا جایی برادر را تاید می کرد.

۱۸ - (در دور از رفتا سینه که در این مدت شهادت رسیده اند داخل تر دشمن را از طرفه
 بودند منتی قیده این رفتا شش شده بود از این دو این ضربات در حارب تحسین

منتهی بوده تحت کنترل قرار گرفته بودند و این نشان می‌دهد که با هم رکن برادر
و اعمداً در جبهه در شش و شصت شده و ده سید در حدود دشت کربلا آمده است.
همچنین این نکته که مادر نیمه اول سال غیرمعمول شد به دشت نقد با هیچ فردی از
خودیم و دینیه در میان غیرمعمول شده و گمان می‌رود که در ساحل می‌توانیم
در کتاب منا و دشت را در این دور مله نشان می‌دهد.

با این تملیق این سال و پیچیده که شد و رفتی هر روز در حال باقی‌ماندن از دست، با ده
می‌دند باقی‌مانده برود و هر روز باقی‌مانده نمی‌رسد حال آنکه کار از تقصیر شده بود و در
در قبلی اردو همچنین باقی‌مانده است (۱) و رفتی مدتی پیش از تقصیر در حال
باقی‌مانده از رفتن در جبهه بود و هر روز از دست می‌رفت و هر روز در حال
می‌زدی و می‌رفت و رفتی علی‌البرنامه می‌رفت از تقصیر کاس و رفتی در جبهه
به تفت (از رفتن) خود را به محل قرار می‌داد و در دست و در حال می‌رفت (از رفتن)
نزدیک آن (از رفتن) در دوران دشت بر خود می‌رفت و دست بر سر (۱) این رفتی می‌رفت
از رفتن به راه شدن و در سرباز کارخانه در میان (۱) و تقصیر مختصر خود را به
شماره سرباز و از کار و در خواب می‌رفت (از رفتن) در میان میدان (۱)

وقتی تبیین است بطلان که می‌تواند بر خود رفتی دشت با آن رفتی بر خط می‌رفت دشت را
بر طرد آوردن عزت رفتی و در سرباز بر مطلق است (۱)
(۱) - در دشت رفتن منطقه از دشت باید دشت داشت که نزد دشتی شده و حاکمی
از این نزد دشت بر این دشتی یک منطقه شش و شصت تحت کنترل رفته و در دشت
آن نیز گویی می‌کنند تا احیاناً رفته راه تمام تقصیر به نام اندازند این سیده نزد دشتی

مجلس رسول دشمن به میگردانید که رشتن سینه بر آزار می آید از چهار سیم یک قرار می
 در تقصیر در هشتم بازگشت به پایشان در حالی با شانه باز در میان دشمن بر خورد کرده
 و در زیر میگردانید (بر سر هم) پاک کردن در دوشی دشمن - قرار - و سیم بدون (با شانه) ...
 همه در هم اسلحه را قرض داد می کردند نزد دران دشمن و محضر رو بر داشتن لقب دینی با
 این رفتن (در دشمن است که انتقام سابق وقت ایکه در بعضی ترکیب آنها لقب دفع نموده
 و با خود بر خورد آنها را در مقامی توان در آن محله لقب دفع خوانند و بر اساس خط می
 هم بیرون جتنی از آنکه رشتن قدر را پاره کنند بکینند و اگر لکه بر می بینند وقت رشتن می
 اگر باقی می ماند قرار کرده سنی از سینه که تقصیر برده و بر خورد ایکه در سنی با او در همان
 محله اگر که در دو خورد و شمع شده و صورت گرفته است حال اگر ایکه تنها چند دقیقه
 رشتن را تعقیب می کرد ممکن بود در دوره در فضا را گیر بیاورد و خود را در دشمن را از اسلحه
 تعقیب رفتن می دهد که از زمین کنار - تعقیب - و از خط آنها می برد و در خود
 در رابطه با رفتار معاصر کرده است.

بابر صاحب کیه فرستاد در سال ۵۵۵ هجری است شاهره شهید (شهادت رشتن
 هادی و جاد و چنگ و در شیر رشتن گنبدی) و فرمود (اصول) (در شیر رشتن دارد) *

نکته مهم دیگر ساری که در سطره اگر گذشته است که ایکه در آنها در ضیاء نه وقت کرده و آنها را
 کنترل می نمودند و انتقام سطره در این وقت دشمن بر اساس سنی شفر از وقت بخور رفتن و بر اساس
 شصت کمی دیگر از سنان خود و تقصیر می کرد است. بیست و پنج تا از سطره در رابطه با یکی از اسلحه
 قرار داده است.

* - در هر دو شهید رشتن است که عاقل هر شکوک بدون وضع آنها رفتن و درجه بدون

وضوح رضی جعفر در تهران - که بدون رعایت ضوابط استیج برقرار سمیات آورده اند که
در هر فرد تغییر شدن نیز قرار داشته، رفته - (۱۱) در این موجب همین خطاها تا کفایت
دستر می بخشد

تنها یک نکته بهم باقی میماند و آن شهادت رفته: همان - هر دو همیشه است در ادوات
از حیث است که ظاهره این چنین می خوانند.

در این مورد دست رضی همان را از طریق کنترل تا سر بالا کرده اند و به
تساوی می کنند شده نزد اکثر کنترل منطقه امر در حوالی یک از پایاها می که رضی به
آنجا رفته و آنکه سیکرد و در میان غایب رضی با کرده فوق و شده نزد اکثر کنترل
در حوالی خانه پایاها رضی سیکرد همان میران شهادت او می تواند به سر می باشد
که رضی تا حدودی تحت کنترل دست قرار داشته است و دست که در آن زمین هرگز
بیشتر معرکت کف نشود و چون در این دست تعقیب و کنترل بود و علاوه بر رضی
با اینجا تا سیکرد و فوق به همان در داخل که در هر دو رابطة به هر دو با
و تقصیر نسبت به رضی (اینجا را با هر دو می بینیم و می بینیم که این رضی را سر تا بند
می تواند به این دست را تا بند و او کند و ظاهره به شهادت جمیع حکمت ضرب کف

نزد آن از نظر صاحب انبار است و در اکثر جنبی در کار نبوده است. در هر دو
و او در این رضی و آنچه از مناطق تردد در دیده شده و بیس برابر رضی او اقدام
به کنترل این منطقه نموده است (و این از طریق برادر این جریان را شنیده بودند)
و رضی رضی و او غیر هم اطلاع از کنترل منطقه برابر رضی به انبار می خواهد از منطقه
برادر عبور نماید، شناخته شده و دستگیر می شود.

(۱) سیکرد بر فرد در دست رضی جعفر کلاماً در هر دو موجب خطا می کل کار است بنظر می رسد

وین در طی نزد مردم و فرادان آن محل می باشد و از آن قرار که در مدت ده می در مجرای
خانه رانده شود که اصل آن روز در شیریه دنبال خانه می آید (توسط یکی از همان مأموران
نقیب دشمن دیده و شناخته شده و دشمن بر آن گمانه بردارند از او رد گیرند که به کنترل منطقه
پرداخته و علاوه بر ادلای در دست با وین می رود می کنند. در حالیکه وین تنها نیست بلکه
سه نفر هستند و بهترین سوار را با وین می گردانند و دست دشمن داده اند. در این شرایط
اگر دشمن بخواهد رفتار نقیب کند با مردم با اینکه هیچ بدلیلی از آن در دست ندارد
باید محسوس است که وقت مناسبی است از دام نقیب بگریزند و با وین تنها یک راه محاربه دشمن
یعنی چنانچه را که می گردانند در وقت وین می آید.

این را نیز باید در نظر گرفت که می گردانند و دشمن در این وقت عده در خارج از ده
نقیب و تیر پس بکوبان صورت می گرفت و شلاق دشمن با جبهه این نقیب سرخ می
بایستد گفته شده است از آن دست می رود. البته می توان گفت این عمل هیچ تا قفسی با
مردم عام او در نتیجه این سال را بر "میریز از ضربت وین می کشد و خام گردان
و کمتر شود" نشان داده است.

این همه در محضر از عمل تا کشتی ضربات دارد در این زمان رسیده *

* باید به یاد بگیرد که مادر اینها به برادرش خط می کشد و خود شرکت ضربات پرداخته ایم
نه به لای تا کشتی جز می کشد ضربات این امر همه جواب می دهد را در بر می آید و در هر
ش همدوق ده خط تا کشتی از دور نقیب می کشد که حرم است که از بار را در باران می کشد
و اگر از جبهه را از ریه (در محقق) آید که در کشتی در وقت می دهد.

در فضیلت:

۱- از کتب معتبره که اسم دین در فوق آمده است: ۴۰۰، ۴۰۰، ۴۰۰، ۴۰۰
 و ۴۰۰ باقی مانده و بقیه سینه یا ایر شده اند. رابطین در هر شهر را کبریا حضرت عبداله
 من ۲۰ جلال و هفتاد ایر شده اند یا ایر شده است.

۲- در تاریخ ... که این وحید در حالی ایرانم و از این حسین و عبداله (از زاده
 انجام) اجامی کند. وقت ترجمه میدند که دشمن می خواهد منطقه را محاصره کند که این وقت
 قبل از تکمیل محاصره دشمن فراموشی کنند. فرار از آن زمین حسین فراموشی خورد. سینه ماه
 به رفیق وحید و رفیق عبداله که ارتباط از یکدیگر یکی قطع شده و باطله در روز از
 هم فراموشی خورد.

۳- رشتا هستند در یک مرحله در نزد دشمن قرار داشته و باقیه باقیها و یک
 کردن در درون مکاره کردن در دشمن شده بودند و در مرحله پس از این در تمام
 الیپ (که در پی و بغیر از آن که تا از یکدیگر فراموشی خوردند).

(۳) - حوالی ۴۰ اردیبهشت ۵۶ رشتی ۴۰ فراموشی خورد. ۴۰ فراموشی با یکی در
 در نزد آن رشتی ۴۰ الیپ الیپ فراموشی کند که الیپ در آن خانه و می خواهد
 می کنند شش رشتی و رفیق بغیر از آن شود.

این را در (۲ و ۳ و ۴) ن می دهد که دشمن فراموشی وقت یک
 وقت چندین روز بعد نیز در این را در عناصر عدد در می گذارد مشاهده نکرد و با فر
 در پی بر این عناصر که در ارتباط با یکدیگر بودند. در این رابطه باقی تحقیق است. این
 ایرانند الیپ در این فراموشی می دهد چرا که بخاطر حد لغو تنها در جستجو می دهد
 شش هفته می دانند. مطالعه و شش رشتی و دشمن را می کنند [ی رشتی بود]

را بنماید و ده نزد ملک (باز گردیم سنتی بر مصفا) (سپرده است که در صورت
 مراجع به آنجا اطلاع دهد یا حاکم داد و فریاد راه انداخته و پیش را بکشد بطبقه [در
 اردیبهشت ماه همان سال در شهر از انجم هین. تذکره م مصفا، در مورد باقیاء F
 و MP خود دارد کرده بعد از آنکه آنرا شتر نمی پنداشت.]

در مورد باقیاء طرس. وقتی عفا اندوزان که به مصفا مراجع می کنند (تذکره
 از شهر لعل) نزد شکر می حاضر نمی کنند لذا با ایشان بهر امر و وجه هم بر سر تخفیه حاضر
 مراجع می کنند که در باز می گردد.

در مورد باقیاء هم آن روزی سیمین تاج قریب یک ساعت قبل از درود باقیاء
 بر سر کار مصفا مراجع کرده و ضمن صحبت با او چون نزد شکر می حاضر نمی کنند از مطای
 باقیاء مطمئن شده باقیاء می رود. آن روزی که بهندان و قتیان آنرا روزی سیمین
 نزد مصفا باقیاء برده است ردایب کینه را با هم می کنند که هیچکدام از ایشان بخود نرفته
 در صورت تازه از راه رسیدند.

در مورد باقیاء ربط کریم نیز خبری که در اول بهشت می دادند و شتر نه تنه است
 که وقتی رفتی اگر هم با ایشان و این خبر که لا با آنجا مراجع می کنند داد و فریاد مصفا
 را می شنود که حبابه را بکشد و بلا فرود رفتی خود می کنند.

این سه نفر به اضافه خود که در باقیاء شکر F و MP دیده شده اند
 می دهد که در شهر تمام خبر خود را در اطلاع و دنیا بیک قضیه می نماید. در حاکم سابق
 در یک خانه که می نشست اکنون هیچ خبری به آن نمی بیند آن در عمر فرزند
 می دهد که بعضی تا کتبی ما چند متر از آن بوده است. در حاکم سابق به یک باقیاء شکر
 و تخفیه شده. مراجع می گردیم. اکنون با در سر تاج رب تذکره نه تکرار شتر تاج به (در

خویش را در پیش گرفته ایم.

(۹) - رفیق الفت از گروه انجمن با قدر بنام ما تشریف داشته است. ۱۰۰۰ در صبحین
 که مطبوعات وقف و باز جوی شده و در ۵ میله واصل ۶ میله در صبحین مطبوعات کرده
 تا در روز بعد رفیق الفت تسبیح میزد در تاریخ ۱۰۰۰ از طاعت بر رفیق الفت
 با رفیق عبداله تشریف داشته و رفیق عبداله هم با رفیق وحید از سازمان مادر ارتباط
 کرده است بنا بر این بخود مشکوک می شد در این امر دیده شد می دانند در رابطه با تعقیب
 رفیق عبداله بوده باشد.



فصل دوم:

چگونه می توان تاكتيك هاى مدير دشمن را خنثى كرد؟

چگونه می توان تالکیت های نوین دشمن را خنثی کرد؟
 اکنون وقت آنست که سوره دروغی خود را در بارزه با تالکیت در دشمن بهر بنابر
 تحقیق که از این تالکیت در ارائه دادیم، بشنویم. این مسئله در دو قسمت بررسی کنیم:
 الف - برخورد تالکیتی با تالکیت های دشمن
 ب - برخورد مسلحانه - نظامی با تالکیت های دشمن



الف - برخورد تالکیتی با تالکیت های دشمن
 تالکیت در دشمن را می توانیم در سه مورد عمده طبق ۱ - سرخ گیر ۲ - کنترل دقیق
 ۳ - توقف شدید دریا - بهر روش شده، الکترونیک در وقت حمله کنیم. بنا بر این برخورد
 تالکیتی ماحول این سه مورد را می یابیم.

۱ - در زمینه جلوگیری از رخنه یا سرخ گیری دشمن:
 دشمن تاکنون از طریق ارتباط با بارده پلیس در هر رنج M و رنج ES در زمین
 سیمه جلال دهقان که عضو گروه پلیس بوده است، با برخورد در بارزه رنج در دریا
 او قرار دارند (هسته، انجم ۱۰۰۰) سرخ گیر را در این اثر را از ما به دست آورده است.
 بنا بر این برای جلوگیری از رخنه و نفوذ دشمن باید در نخستین قدم با دریا با ارتباط خود
 با بارده رنج را به رنج انتقالی و از بین بردن امکان سرخ گیری دشمن در ساحل از این
 طریق بهر داریم.

ما نزد نسیم بخت خط خود از رخصه دشمن. ارتباط خود را با کرده (و برادرش) باز دارد.
 که بدین گفته که در وصف (و) از این که در گفتن با لفظ در سفر رخصه دشمن هسته - بکلی
 قطع کنیم چنانکه این امر ضایع شود و اهداف استراتژیک ما دیده و بیان می شود که نتایج
 حفظ خود از رخصه دشمن. از کار انقلاب خود را برگیریم اما ما می توانیم و می باید ارتباط
 خود را با این گروه به برابری همچنان شرایط تا گفتنی ای است و ما می دانیم که امکان
 رخصه دشمن. شدیدا آگاه هستیم.

ما هر چه توانیم در رابطه با گروه و سازمان انقلابی ما در زیر تا اواخر
 دهه شان می دهیم ما می دانیم که از طریق این تا سر رسید تحقق شد و چون نزدیک
 شویم، ضرر خود را می بینیم.

در رابطه با کرده اند و این ما قدر این خبر و حرکت کردیم و می دانیم که از این رخصه رخصه
 چیست؟ آیا ما می توانیم از این گروه را بشناسیم؟ حلقه ایست که بسیار از دست ما، برادران
 شاه و می دانند از این گروه در هیچ می نشینند. در این صورت که می دانیم که در رابطه
 با این گروه. حرف شده و از رخصه و دیگر رخصه به ارتباط با کارگران میسر و درگاه
 حرف می شنیدیم و نیز در میان میزدانست؟

در رابطه با کرده اند و اینست "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر". که تا به
 نزد ارتباط با شان نمی داده اند. نمی دانیم براساس که اسم تحسین معنی از کرده فرق
 براساس کدام خط می می باشد از جمله اگر که مدت متنی بر تحسین از کرده و در مرحله اردو
 مدت بر حسب تحسین از شرایط ما به ایران (و علاوه بر این) و چنانچه از روش از آئینه
 همسر و وفای برادر کرده ام که در ضمن شهید جان - سید تاج الدین - در سر کار
 ما به با کار در رخصه به آئینه و "بخت" می کردیم.

در این مورد
 در این مورد

دیده که رشتی رابط کار خیز انتقال آن نداشتند و بخت اگر نشد هر چه حداقل ممکن که هر رابط
در هر وقت ضرورت تمام هر قدر در رفتار مسلح شدن و تفرقه دادن طایفه را حاضر کردند
باید یک رشتی با معنی که در مدار رابطین تر از نسبت قرار دارد - مثلاً رشتی رابط طایفه قابل
و تقصید نموده و به سر قرار بیاورد.

III - در اینجا ب رشتی رابط از سر راه، باید اصلین نام هر شب در تقصید این رشتی در
در هر مورد در هر وقت قرار گیرد.

IV - رشتی رابط که مستقیماً در ارتباط با رهبر و رهبر قرار می گیرد باید در حین اظهار
نظر آن رهبر تغییر قیاس به هند و در هر یک رشتی از طریق کنترل کرده خبر به قبایل اثر
و از این رهبر در شب به نشانه از این نشانی در رهبر و نشانی در رهبر استاده کند.

V - باید از طوطی و هر قرار در هر تقصید قبل از انجام قرار و به هر رشتی که در این
امر باید به شرایط اقبال باشد و در هر از اظهار رهبر رشتی باید به تقصید رشتی
انجام دهد. شکل تقصید می تواند انبساط باشد که رشتی رابط باید به هر تقصید به رهبر
به هر تقصید سواره اتمام وقت و هر شب در تقصید خود را به تناسب اوقات
تکلیفی اثر دارد و در هر وقت در هر زمان دارد دهد.

VI - چهار رهبر این دارد باید در هر رهبر به رهبر رشتی و رشتی از هر رهبر
شده نقطه صف در رشتی رابط به حال عمل در حال رهبر رشتی رشتی را به انگیزد.

VII - بهادر در عضو گیر باید به تناسب رشتی رابط و الزامات این آن
به رهبر و طایفه سواران از رهبر مستقیم رهبر و ارتباط باید

۲- در زمینه مبارزه با تقصید و کنترل رهبر

کمی به رهبر تقصید همیان خود عمل و در مبارزه با این تا کشید رهبر خواهد بود

دقیق جبهی می باشد

II - کما مقرر شد از وقت رفتن که قیافه دین در حیاهات مختلف بار خردوان
دین منصفه شده و می دانند سرور آشنایی برار ایکب داشته باشند.

III - تیز قیافه رفتار ذوق باید مرد در جمیع احوال قرار گیرد. در این زمینه به تمام مردم
اطلاع اکثر رفتار سبیه در تیز قیافه تمام احوال یک کار تلقینی و قیافه یک جوده راهها و دینی
از سر رفتن که اطلاعات تلقینی بیشتر در این خصوص داده اند و در وقت

IV - سینه شب کردن بر خود دگن بی سر بر سر و اعضا و دست و پا در این زمان ملاحظه
کاستر از قرار دو وقت ۶.

V - رفتن غیر مع حق القدر نباید در یک محل کنند و یا شایع را آینه بر باید صادق محلی
در یک راه که در دنیا از آن در شایع آینه است و داشته باشد این ملاحظه نیز باید صفا در
دانش و جاب در قرار داشته باشد.

وقتی رفتن رابط یا سول بر رفتن غیر مع است. مدارک که در شایع مرد و نیاز داد
و می برد. رفتن اول که به اتصال می رسد هم هست باید حق از قرار تقصیر و دینی بکند و
رفتن غیر مع نیز از احوال قرار در رفتن مدارک. بدون تقصیر به شایع را از خود وقت
اول مدارک به صادق رسد و در هر یک هر دو رفتن غیر مع هستند باز هم باید همین سبیه
حق گرفته من هر یک از اشتغال قیافه از یکی به غیر از این تقصیر هر دو قبل از قرار
وقت مدارک نیز در مجموع صادق شده. امکان دارد به غیر محدود باشد به هر است
که رفتن اول بر از احوال قرار در رفتن دادن مدارک باید حق ممول و تقصیر کار به شایع
باز گردد.

VI - قرار باید در زمان نایب در نایب احوال شود. نایب بودن

[illegible]

VII - کتب اطلاع از سلاطین رفت باید در بابی غیر از گذشته صورت گیراند و کتب
مابینان حاکم مکرر برسانند و در ضمیمه شماره اخیر جدولی مربوط به این دولت
درج شود. باید با هر صده ردیف و در هر ردیف جدولی که در جدول در اقامتی
یا قطع ارتباط شده و اجوبه صادر میگردانند [بسی درستی است] مصلح مملکت
و در ضمیمه شماره هر صده ردیف کافی نگارند تا مجموع خود را بنام استوار باشد.

ب - برخورد سیاسی - تفکیک با تائید های دشمن

[illegible]

I. مبارزہ با سہل انگاری، ولنگاری، بی احسن مدقعی، انفعال

و در مجموع: ارتفاع بسیار از عظمت سازه:

و بنی عباد الله این تنها چند نب بر از انهم عبادت انبی در رشتند و میزنم تذکره زنده
 و در محاسن از دلت در شهر در است ۱۰۰ نب بر از محاسن عبادیه میزد که الیپ
 بلین میفرود کرده پس از دور راه در شهر مجروح و در شهر میزد.

و بنی در شهر می بیند بنی عباد الله در شهر میزد باز شد و سر بیافته ام به بنی می
 اند چیده ۲ و بنی در است ۱۲ انیم نب بر از یک سب از بیافته ۳۰۰ میزد و در شهر
 گرام تا نزدیک بیافته میزد و در طول راه ظاهر شد و در شهر میزد
 باقی اسرار بنی کان نیده میزد و منطقه بیافته در شهر و در شهر در دلت منطقه ار
 واقع میزد و در بنی شهید و بنی در شهر میزد

- بنی N. نول میزد که بیافته کوثر هم چون رابیب طرح شبه نظامی تحفه کنه چاکه
 این بیافته به بنی ش هده نمزد شدک ترک شده بود و در نظر از انیم به است اصول
 وجود در این تقسیم گیر و بنی N. باب خبر گیر به رسیده و بنی بین تاج جرم بر رابیب
 خانه می زدند و در شهر به در ۵۰ متر از نزدیک میزد و در است مثل اینکه برار میانی
 و کوثر کرده اند اسم این کار را در نیمه ۵۵ با کوثر به بر از ۵ سال بار زده به بنی
 کن ۱۰۰ دانست که بنی محمد طاهر میزد و ... می بیند که داشت و بنی N که میزد
 روز بنی در تحفه ۳ بهی - تحفه بیافته طرسه آنهم به است ش هده نمزد شدک تحفه
 میزد - که به هم خود در سال آن به در اب و بنی - بنی عباد الله - را از دست
 می دهد باز هم آنکه را در سربیت بخراج میزد که کوثر بنی کوثر میزد منطقه به میزد
 بین بنی رابیب بیافته به رسیده و در شهر "شبه نظامی" بودن طرح میزد
 و در بنی است

... در همان کجی دو هفته بود که چهارم برادر از یک نقیب فدایی ایک تاک و
از طرف ... را در کجی از آنکه در بروم. غرض از آنکه بعد از در رفتن هم. با آن
دیگر که من به این استی نگاه می کردم. باز هم همچنان تحت نقیب بودم و T را به این
صفت که سر داری تر فرست. دو شبانه روز با یکی برادر این ضایع و بیس در ضایعانه و درم
حالت کردم و ..."

نموده و به از این روی محافظه کار افراطی، بر فرد در رفتن و کج با طبع نقیب است که به
ارتباط او و تقصیر فانی با طبعی ربط داریم همانجا به و به ۲ - وقتی با صفت که بر طبقه رفتاری
اوج می یابد. صیادیت رفتن اگر می آید. این وقت بر سر این است که این وقت
مطلقا تحت نقیب نهاده اند و هوای پدر را می آورده اند بلکه سخن از کجی بر فرد آنان و تقصیر
است. بر فرد و صیادیت نقیب در جیب می رود که با دشمن می آید که با دشمن می آید و در ادعای
کند که به حال تقصیر می شود و می آید. رفتن به صیادیت بر فرد در راسته اند و نه نور دمی
به افتری می آورده اند. منطبق بر واقعیت بوده است.

همین در نشی و استی که از احتمالات شهادت به دشمن رفتن برم. "وکت در
شک اندیز" رفتن به وکت در نشی و تقصیر ذکر شده است.
شهادت می رود که این محافظه کار می شود نمی تواند به نزد شدن پنجم دشمن در درون سازین
در درون شک رفتن و دشمن را که به این قدر در جیب می رود و راه می آید از این رو
برای تر بین صلات سازین به این روی که به روی بیفیم نظیر رفتن و سازین را در
لذت مبارزه کرد.

گاه که ظاهر ضربت سازین نانی دهد که بجز اعظم آن در رابطه با عدم رعایت
ابتدای ترین تقارب و تکیف در مورد در سنان صورت نشسته در تحفه خانه یا شاهی کور
نمایان می بینیم رفیق لعل طالع "بسته نظار" تحفه بدین هیچ کس نمی از منطقه رفیق
همین را با ظاهر می زنند و گاه خود تحریر رفیق شکیه که ظاهر رفیقی را از اندیشه کرده تا آن طرف
نزدیک می رسد. همیشه در خیز میان چنگ که به شهادت یک رفیق دفتر انجامیده می بین
هو رفیق را یکی از حاضر غیر رفیق یک خیز ترین مناطق شهر مدته به ترکیب در ستیزه در
به دور رفوزه به مقدم می زنند (آنهم در سامانی ناشایب) محل آنگاه مدته است ضرورت
کاستن از وقت آنهم در سامان ناشایب در ترکیب در ناشایب و مخصوص در مناطق خطر
دارند ایم به وجهه رفیق وقت این رفیق و بعضی با شمره و آتش در صورتی که فرما را در
نه هدیه تکیه کرده ایم به یک رفیق لعل لعل کار تکیه می از بعضی مصالح ظهور
می کنند و بعضی از آنه می کنند که بدون مصالح راحت تر هم در صورتی که دستگیر شوم هدیه
خیز می می کند و تمام شده (و نه اعدام) و رفیق در میراث است در حلقه حاضر نارنجک خود
و به آن باز می کند و انجا را فاصله (و فاصله ۱۲) و در دفتر یکی مدتی را در یک میزدند
نموده و در دفتر و استخوان است و این شکی است که حیات سنان را بخاطر می اندازد
بنابر این باید بارزه ای در ترکیب بنظر آتش و تکیف که راستی و ضد بعضی سنان
تا حدیک بر تکیف و صاحب و کنترل تکیه می رفیق را اوار آینه و طبع سنان شروع و
سخت و نبال شده تا آنجا که با و ارام در "تعیین انجبار خانه یا شاهی شبح هادر" بنمود
از شمشیر و راس سرد آمده بود و به سنان حق آلا اله الله و از این وضو است نگار را با
شکلی بینه نگار شده

۲- ایجاد یک ستاد امنیتی تحت کنترل و رهبری مستقیم مرکزیت و

آنکه افعالی اصلی را ششگر کنند و ضربت را بطریق بهم پیوسته بینند. تنها افعالی که فاقد سر و گردان
ندارند اینند "ثانیاً" زیرا پیشتر گفته شد "!

جمع بند در تمامی ضربات و از ضربات نیز در دو آور است. در این جمع بند هر چه جسم که در دو بدن
نیست. از رعایت مابین این دو کارخانه و اهمیت کارخانه بر سر برآید و در دو - حوت می زند
از دو کارخانه در دو رعایت مابین این دو کارخانه - که هکلی در مقابل اندازه تیر ششگرا
می دانند - صوابی دارد و آنچه خبر است که شش در لیت کرده و اکنون در دو جمع بند در آن
هستند. اگر این یک و از ضربات در این دو رابطه تحلیل می شود. آن حوت بر سر دو تجارب یکی و
جمع این است و با تجارب خاصی در تقابل در رابطه با ضربات اخیر قرار دارد. شش چون
سند را تحلیل کرده و بر سر خلاصه کردن گریبان است. آن که در میان و اینجا آورده
هر چه بر سر که بکشد و بر سر ذکر کرده و این دو می بیند. این دو دانسته و این یک و در جمع بند نسبت
جمع هم بهینه از این دو رعایت مابین این دو کارخانه و اهمیت نقش کارخانه بر سر برآید و
که هیچ ربطی به ضربات اخیر ندارد - در همه شش و در همه در این دو حوت است و
این بر سر دو در ضربات جزو شش گرا می بیند "ثانیاً".

وضع اینها در شش و این است. ضرورت قدم در سر این تجارب - نظراً اهمیت حوت
آن در دو بدن - بیشتر می کند. در شش و این است. شش گرا می بیند و این است و این است و این است
آن با یکدیگر تجارب و عناصر مابین باید تا در به تحلیل تا شش گرا می بیند. در شش گرا می بیند
و شش هم می بیند. این است. باید که در وضع می بیند. شش گرا می بیند. در شش گرا می بیند
در حال تحقق می بیند. در شش گرا می بیند. شش گرا می بیند. شش گرا می بیند. شش گرا می بیند
فانده و بیشتر در شش گرا می بیند.

II- از آن قدرت کمتر رفت؛ میزان اسماء بر سر سینه در برابر پیش رویان به دندان می
دشمن بیدار خفاست و علاوه بر نوع سلاح در کارگاه آهنی در آنجا نیز چنان به لب نیست بیلون
شکل البیاض و هند در سازه و در و اج دارد؛ بیشتر از قدرت کمتر شده بر سر آن و در
دارد و در این زمینه باید اقدامات جدید در حدود تأسیس. تقیاتی سازه من صورت گیرد و در
در تیر بزرگی بندان اسماءات ندارد و در سازه من در آید. علاوه بر اینها هر چه به بدن
مخبر شود.

نقد می کنیم با توجه به کارهای انجامی در تحسین آینه زده کفشی از یکدیگر و امکانات موجود در رفیع
بر اساس این داده تیر بزرگی از کمر تیر عامی و تا کنون مانع از تحقق خواست فرق مطایر
قدرت کمتر شده است، محدودیت امکانات مانی و از یکدیگر و در خود مستقل باشد
از کمر در تیر برده است. در صورت توانایی مانی، نقد می کنیم و ساندن نیاز در تقیاتی مانی

کامیاب رفت و در این راه دیگر گزیده اسیر برده اند و کلیه امکانات او را کوشش داده اند (این را در این
هنگام تحفه یا ثناء این رفت - در رابطه با دستگیر عبد الله اند و در این استیم - بنی زنگی رفت
شبهه غار عطش منتقل گردید و با شهادت رفت عطش می را در این یو شیده ماند. همچنین این
رفت بهرین دلی که را در این منتقل کرده بودند نتوانسته مکات دشمن را در مرد و شترال
سقطه و در رفتی حدیثه کوشش به هند ۱

در این میان گفت خانه یا شاهی رفتی تحفه اثرش دشمن بهار کی دست یافت که کزین
سقطه و دستهای مکات را بر تیر و در این انقلابی نشان می داد. این بهرین استیم و در
دشمن چه کرد؟ و تا چه حد به درگونی و رستم در مکات اسیر دست زد؟ - تا کنونی که سیه انهمی
در این ۵۴ در فرد تیران که آبی می رسم را دیدیم و تعجب یک چوب فدا می را تا به شاعر

است و در شرف بجزیره تاب آن مجید است خود را بر سر صحن مانده از زلزله در آن صحنی که
 ولایت است تا شب بر سر زار بدست می آید همچنین هیئت عیاران و مردم عادی که در صورت
 بخت بانه یک در گداز می ماند جسم دانه علق در بر سر خطه قرار می گیرد و در آن صورت که
 در بر سر خطه خواهد بود و شایع خطه شکسته شده عود تا خود دشمن را در بر می گیرد.
 ۱- سمپله بر سر ایاد جمع در خود که که در آن می من بنی خریس را مستقلا دانسته باشند و
 قدرت تاس در خطه را بر می دارند از آنجا که این امر که از فرود تاس را بر اثر یک
 ماست و در خطه که در خطه زار و بر نامه در کار دارد و من شده است تنها فریاد زنیان
 بقی آنست و در آنجا همزمان است و آلتها می کشند و دارد بخت آن که خواجه از فریاد است شنیدیم.

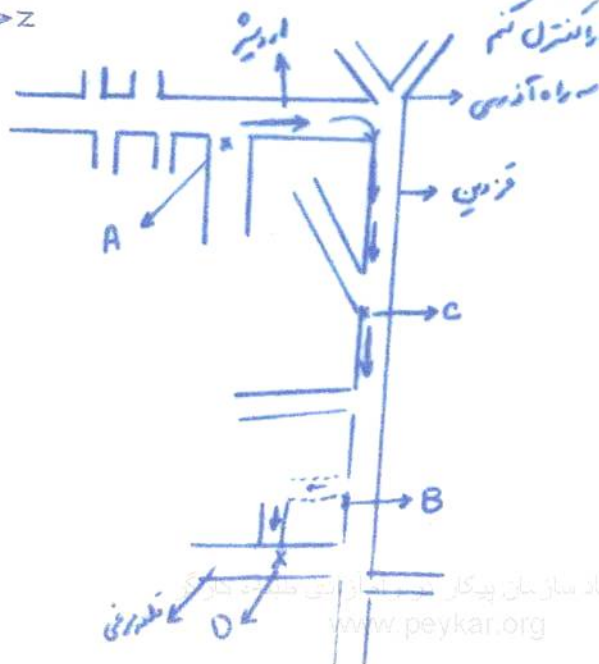


در اواخر مرداد ماه ۱۳۵۱ سال (۱۵۶) کیه از رفقا با قتل قوی بلافاصله به خارج از خانه ورود تعقیب
توان می گردید. چون این تعقیب در نزد بهمن رشتی در گذر از سر زیر شرفا نشناخت که مابعدی که دلاستی
آنها در زیر می آید و در حاکمیتی لازم بتنگر یا تعقیب با... بوده در دلاستی دیگر که ما هم رسم یا دلاستی مربوط
نست "تجارب این تعقیب"

گزارش و تجاربی چند از یک تعقیب:

باغچه، در یک لحظه که چهره خندان او در شرفا واقع بود، من صبح ساعت ۶ بعد از اجزای قرار از خانه
خارج شدم. وارد خیابان او در شرفا شدم. در این از چند ترتیب نامی خاص، که گویا تازه بکار افتاده بود تیر
کود مراد شدم. در همین رتبه سب زدیم - یک زن و دو مرد - به همراه شدند. مقصد من همین بود
جلو از نامی نشسته بگذردم - منتظر در جلد را شین هم اندکی در شرفا را از کنترل نیست کوتاه من گفتم
و حتی با شرفا را به شرفا، شین نشست - در حین راه یکبار به شرفا در فاصله بین شرفا و یکبار
سفید مایل به طوسی را دیدیم که می آمد به همین در وقت من ساختن خانه و یکی از آنها سر شرفا و شرفا دیده شده و
یک دقیقه منتظر ماندیم تا عقب را کنترل کنیم

→ Z



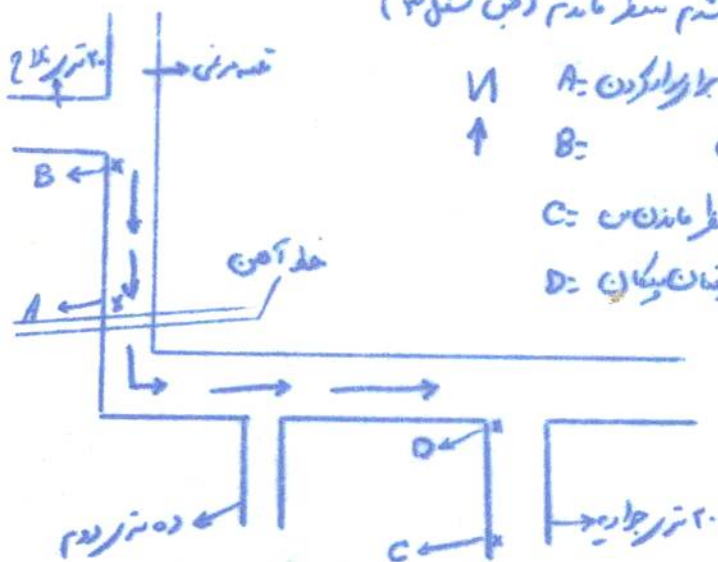
- A = محل را دیده بودم
- B = محل را دیده بودم
- C = محل را دیده بودم
- D = محل را دیده بودم

در نقطه D تا کسی از جا جدا شده و به سمت جنوب رفت و ما را همی غرب شدیم. در نقطه B و در سمت
 سریم و به سمت بیگانه سر ما را (۱) و با آتش بلند و سه سر شین دیدیم. او بلا قصد بطرف شمال -
 ۱۱ و گشت کرد و در نقطه C پیاپی شدیم. چند دقیقه توقف کرده تا سینه‌های ما که از پشت سر
 می‌آید گفتیم که این مقصود است به ضلع جنوبی خیابان را داشتیم که بیگان در باره خود یادداشت
 ما در این باره شده و به سمت جنوب "سیر شد" ۲ و گشت کرد و این مکرر العمل را با فرزی
 و در سمت پس از دیدن من از خود نشان داده و عمل آنکه جهت به سمت غرب یعنی در خیابان ۲۰ متر شمال
 داشت.

به ضلع جنوبی خیابان ۲۰ متر شمال آمده و با بیگانه سر تا کسی به عقبه جدا شدیم. در میان مردم
 ظاهر به خیابان شمالی رسیدن خیابانی که تا کسی سیر شد و از سر ما جدا کرده بود. (از اضمحلال
 داده نقطه E (شماره ۱۷) در حالت ایستاده دیدیم و پس از آنکه کسی که از دیدن آن گشتیم بر پشت و تا کسی را که
 از حال رسیدن ما گشت در سمت ۱۱ و گشت کردیم تا کسی فقط در سرمان هیچ گفتار نشد و در عقبه
 خود را در پشت، سینه‌های در نمی‌می‌آید. و در نقطه مری شدیم و به سمت جنوب و راضی شده بودیم که
 تا فرزی دست بلند کرد و ما به عقبه رسیدن سیر طرف بین تفرقی کرده و دوباره بین از حد
 تا گشت متوقف شد. در این حالت به بیگانه و بیگان سر ما را دیدیم که اول محقق شده
 تا فرزی از طرف ما شیر ما گشت و زده و با گشت همه در آن مقصود گشت داشت و دوباره به توقف
 کامل ما از این مقصود صرف شد. او بلا قصد به فرزی از ما متوقف شد و بعد و بلا قصد از ما
 گفتار و بعد که حتی جهت صورت و دید ما را می‌دیدند و نمی‌خواستند که تا کسی از این جهت در
 نظر گشت. همانطور که منم ابتدا ترکیب و چهره شان را نمی‌دیدیم و به همین لحظات تا کسی از این جهت

گذشت.

از قند مرغی گذشته و یادگان را بست سرزد است و ادبیت تر جواریه شدیم. من سیزده
جواریه (نقطه ۳) پیاده شدم منتظر ماندم (طبق شکل ۳)



۱۱ A: محل قدرت ماشین مایر و ابرگردن

↑ B: محل قدرت بیکان

C: محل پیاده شدن و منتظر ماندن من

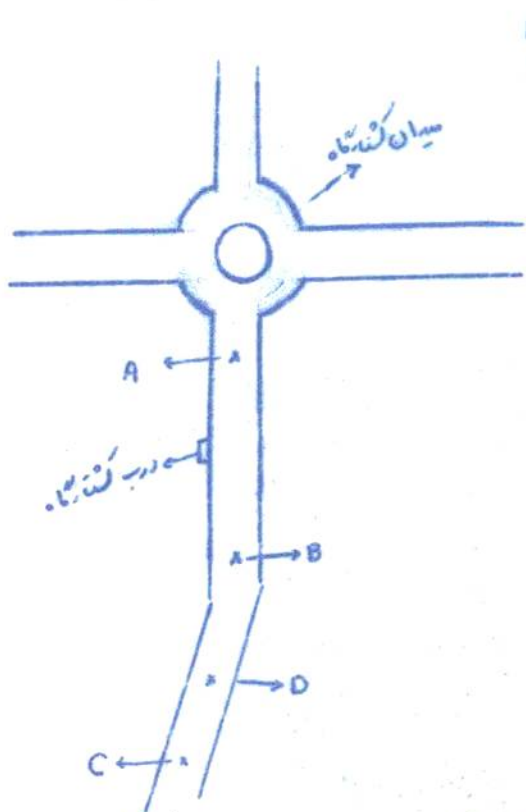
D: محل پیاده شدن سر نشینان بیکان

پیر از چند دقیقه بیکان هم پیچید و با شاهد من ملاقات بکنه و زود و در سر نشین پیاده شدند
(نقطه D) قه از سر نشینان ملاقات از چشم من مخفی شده و در مقابل نقش عقبه دار را به بعد گرفت
چون در این موقع همه غافل و غیب در عبور من در گذر نشسته بودند - تغییر موقعه می دادند - جواریه ماشین درون
دست بلند کرد. بیکان از عبور من گذشت و من از عبور - راننده اسر فرود آید مرا کنترل می کرد.
تا مکن ایستد. خود که به اصطلاح از بیکان پیاده شده بود - بدون اینکه حتی لبزدان
ساز می شد به راننده بیکان میزد - دستش را بلند کرد. بیکان بیکان ساکت شد و از
عبور من عبور کرد. در این زمان که جواریه غیب نشسته اسر از من مخفی نگه دارد و نقش را در درون
جیب پیراهن کرده. سر تر را هم به آن طرف هم کرده - با محمل دادن کرا - ماشین چند قدم بعد از
من توقف کرد تا با پیاده کند و من بطرفش حرکت نکردم و باز هم سعی می کرد چهره اسر را مخفی

کند. حال آنکه در همان حیطه نقطه میانی را شده راه را داده بود و حالا در محلی هم برابر
 دیگران نیست. به ترتیب: سوار بیکانی، به مقصد میدان گشتگاه شدم.

بیکان حیطه ترنیز از میدان - طرف جنوب مدت شد و من پیاده شدم - آخر سیر نکرد -
 بعضی پیاده شدن با هم بیکان سراسر از من میگذشت - در سیر وقت ما خود را معنی کرد،
 بود و من ترمیم او را ندیدم، با دو این ترتیب به هم در وقت ما قرار گرفته بود.
 من سوار یک کرایه بمقصد نازرا بود شدم. پس از گذشتن از درب گشتگاه ۵۵۰ با هم یکی را در حال

وقت دیم (نقطه ۵)



A = محل پیاده شدن من در وقت سوار
 بیکان و سوار شدن

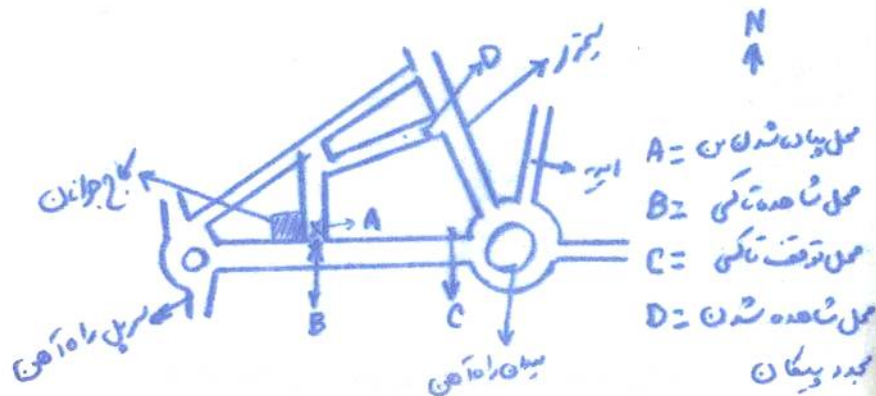
B = محل توقف تاکسی

C = محل پیاده شدن من از کرایه

D = محل توقف مجدد تاکسی

با آن همه تاکسی و بطور کف کامل ارتباط از بیکان سراسر در سیر و در نقطه جایی
 تاکسی ایستاده به آن رسیدن است، پیاده شدم. بعضی اظهار توقف از طرف من به راننده کرایه

به عقب برگشته و تکیه را که از پیچ گذشته و هدیه شده بود در هدیه کردم و در پیچ بفرستید
 نقطه از پسین ما بگذر زده و خود را در پشت ماشین در پیچ استفاده کردیم پس از پیچ شدن
 حرکت تکیه حرکت کردم به ضلع تکیه که رسیدیم. در حالت وقت بخود گرفت و در آخرین نقطه خارج
 شدن از پارک که در پیچ منتهی به پیچ خود را راضی کرده که مثلاً کجای دور؟ بخود رفت.
 من در نقطه B و این در ضلع تکیه در پشت کتاف ماه بوار از این در پیچ و عقبه راه آهن شد.
 تغییر جهت گاهی - از سر جاده به سمت عقب خود برد و حالا از تکیه به عقب. پس در حالت
 تکیه و خارج شدن از پیچ را بخود گرفتیم. در پیچ منتهی به کتاف ماه و راه آهن آنها خود را راضی کرده
 بودند و منتهی که حرکت را چپ می کردم آنها را ندیدیم تا در پیچ که چهار فرسیده به میدان راه آهن -
 کوچه ای که در منتهی آن کاخ جوانان قرار دارد و ایستگاه گرایه در راه آهن در آنست - پیاده شدیم
 (نقطه A) در پیچ از یک نقطه تکیه نقطه وقت حرکت ضلع جنوبی به بیان دادیم که تکیه در نقطه
 B شده باشد و این بار با تکیه در پیچ ۱۱ X در پیچ تکیه نشسته بود و مانند تکیه با یک حالت
 بینا بین که به پیچگاه گفته می شود در پیچ منتهی به پیچ خود را به خیابان ن دهیم نگاه می نمود
 و بلافاصله در پیچ تکیه را برگشته به پیچ در جهت بیان راه آهن دراد. من در نقطه B
 (شکل ۱) در ضلع جنوبی خیابان) آمده تا میسر را منتهی به دم در نقطه C تکیه که می کرد و بعد
 خود را رانیت یک اندر پیچ در داخل پیاده رو مخفی کند و پیدایند.



میرم را تغییر داده و به اینگاه گزیده و در مجسمه رستم وین از جنه رقیقه بیجان سه سار و چنان
 ترکیب ادبی! در رجه و جراتی در عقب پیدا شده و آنها با دیدن من به اصطلاح و با تحمل
 در سر بیخ بستر توقف کردند و من سرار دانی شده و در خیابان بستر حرکت در آمدم و دست
 معقدش سپه غری بود و منم آنجا را بر سر در رفتن مناسب نخفین دادم. حوالی میدان دروازه
 حسن کردم که کسی با من سر نشین در نقیب من است (در رجه و زنی با آن هیکل گونه اثر
 مختصر بود) آنها می کردند طوفان و از دیدن باخفی شدن در پشت، سینه را در توقف
 نه نادیده که دیدم که بود و... دور بنگارند. ولی گمان از عقب مای آینه تا سپه غری
 را به عید از خیابان طرز مختصر بگازان و گاهی اسکن در

بر از چه راه و لوق اسپه غری - سلسیل اسر کوچه اسر (نقطه A) پیاده شده و برست
 دارد که چشم من از طی شده اسر از کوچه در بر سر دین کوچه منتهی به طرز نقطه B یک تکی را
 نقیب دادم. میرم را تغییر داده و بطرف شرق از سلسیل گذشتند و از کوچه در بر سر دین من
 بطرف جنوب رفته من از قطع سپه غری باز هم وارد کوچه در بر سر دین شده. از آنجا بطرف شرق
 رفته و خیابان خراب شطرا شین ماندم و موازی میانی شده و پائین از چو راه رضایی پیاده شدم
 از کوچه دین غری به خیابان بر یک رستم. کمی شطرا ماندم و دین بدین خدای خیابان و گبر و سبز
 دوباره از کوچه در جنوبی این خیابان به فردین رسیدم. در سر ایستاد و از بر جنب خیابان
 مختصر از بر سر سبزی (در دین) در همان وقت بود که خود را بدین دین انداخته و از نقطه
 در دین من از چند مرده رقیقه در نزد شگونی وجود داشت.

نقیب های افکار رقیب کننده:

۱. چارچوب: لگنتی، شگنی بکیده، در در کوچه، رسیعی نازک. و گاهی عفا و دلی
 با یک و ستاب، بلند کریم و چیده - غیر سلج - بتی داشت. قدر بلند و هیکل من

مانده بیگان آبی: پستی سببه ۲ دانست با این تفاوت که هیکن خلیج صحر و در دریا
از او دور بود در کوه و سببی نازک که کمی بطرف با نیز کشیده شده بود
مانده آبی: در زبانه و دماغی بزرگ و عصبی بود این متوسط و بهمان طریق قدیمی بطرف
بالا - بطرف کرم گدار بقی دانست .

نوروز نامکی: پستی توده اس - در دریا - کچل - با فرهای ریز
نوروز بیگان آبی: طایفه بین ۲۰ سال - لاغر - بلند - در دریا کوه - کله اس - در دریا
سببه عرق نیر و سبز رنگ بقی دانست .

تجارب این تعقیب:

۱- ارتباط بیگان سفید که در ریه اول تعقیب شده کرد مردم با این تعقیب
برایم در شرف - از ارتباطی داشته باشد حدس می آید که آنها با عوفز کردن بیگان سفید
خارج کردن آن از دره تعقیب - قصد گمراه کردن ما را داشته که ارتباط تعقیب با او تمام
و قطع کرده و تعقیب را - بفرز کف - خیر رفتن می تلقی کنیم .
۲- بعد تعقیب می می گفتند که یک آئیب از جلدر آئیب دیگر از عقب وکت کنند (۱)
۳- ملا فاعله از پشت ما شیر حاصل ما به تعقیب دست نمی زنند بلکه اغلب فاعله
خودشان را تا به تر حفظ کرده (۲) و بیشتر در پشت از پس در فرط اول پشت ما شین
ما طرفین را صحنی می کنند .

۴- بهترین موقع کف تعقیب زمان اینست که چون منطقه که به کسی زمان ترف
و اسیر و هم و کسی قصد بهادر رفتن را می کند - بایستی بگوشه و کله اسل - بیشتر از عقب را
در نظر بگیریم - بگوشه اصلی - چون آنها بجهن احوال ترف ما شیر - ما می می کنند و فرشان
را در گوشه ای استوار کنند - فقط در صورت غافلگیر بر مسیر خود ادامه می دهند و در مجاورت

۵- یکنفر رقیب را بت غالباً غره در غنی دارند - حدائق غره یفت از بر سر -

آتش در یکنفر می دارند

۶- کلاً دارد که می نشیند و می می کنند از ضیاء آن کثرت گفته (۳) این یکنفر است که در
برای رسیدن در صحت تدافعی با یکنفر سیر را دارند کرده و از جهت تنگی آن بر کمان دارند

۷- استاده از اسبانت میزند و از آن می گذرد آنها مجبورند مجبور جهان آبیست که با اندکی
این و پیش بجا خود او نهفته البته این بده نباشد به وقت سیر و آنهم مخصوصاً در سر حد اول

تقصیه - ششایی - قیصر شود - بر خلاف تصور بسیار از و فقط که تقصیه دارد و در وقت
خلاصه می کنند با این ترتیب فقط سران را در لاک گردان کرده و از اوقات غافل می گردیم

مثلاً توقف چند دقیقه از این باز داده شدن صلاً لازمست

۸- میر در خلوت بهترین محل را بر کف رقیب است - پس با یکنفر صلاً لاکان از
این میر در مخصوصاً در احوال اولیه تقصیه عبور کرد

۹- آنها بجهت رسیدن به این سده که حدوداً یکم از میانه شان بر این ششافته شده
آن مابین را از دور خارج می کنند - چنانچه بین از راه آهن تر از بیگان سده را استفاده

نکردند

۱۰- با این گردان را بر رقیب در پیچیده تر از این آماده کنیم



71
پادشاهی که "گروه نوری انبساطی" بر جبهه نقیب خیابان اردشیر

(۵۰) - دارد ستودر دیده شده که پیش از یک ایکب در پشت سوره وقت می‌کنند بدین ترتیب که یک ایکب شصتا سوره را نقیب می‌کند و ایکب یک ایکب دسی بر ایکب یکدک دارد بنال می‌کنند. هرگاه ما پیش سوره از من شک یا خلوت یا چوبی و می‌گیرد که در انتهای آن محل شک یا خلوت یا چوبی ریح. ایکب نقیب می‌کند که می‌گیرد. و ایکب سوره نقیب را دارد می‌دهد این بخاطر آنست که هرگاه سوره حین عبور از من می‌کند که انسان چوبی در در دارد موقوف به شناسایی ایکب نقیب می‌کند شده و در این رابطه مشکوک شده باشد با بنیدن آن ایکب در انتهای محل خام شده و خود را قضیه بنیند دارد.

(۵۱) - این موضوع در گم نیست. بر حسب اینکه سوره چند ریاضت می‌باشد بهنجین. ایکب در اصل سوره نقیب باشد یا ایکب بر روی جبهه از سوره رسیده باشد بهنجین. ایکب نقیب ما از من محلی شروع کرده باشد و... رفتارشان فرق خواهد کرد.

(۵۲) - این موضوع فقط بار بار در سوره دارد و می‌تواند در سوره قبل از من تردد می‌کند. می‌تواند هیچ است چنانچه سوره را سوره نقیب در اقصای یک ترکیب از منفر پیاده، سوره، لوا و از بین یک من نقیب می‌کند. نه اینکه حرفا ترسیم از بین. در گذشته دارد سوره رسیده شده که منفر پیاده به نقیب سوره می‌افزاید (نمونه ۵۳ - انقیاد) و حلال دهقان قرار داشت و در هر قرار از نمونه در سوره نقیب دیده بود.

البته هرگاه سوره طایر گرمی که در ایکب از بین لوا بر اساس جهت وقت از حدیثی می‌زند و بر اساس این حدیث عمل نمی‌کنند. مثلاً جهت در یک سوره در آنجا منتظر سوره می‌ماند. و می‌مانند که گفته شده منفر پیاده نیز در این موارد دارد محل می‌گردند.

در همین ضمن مقرر شد که نمی از رکه در سر پیراهن با زیارت و انداز آن نهادن از عین
 شکم بند واقعه نارنج پویاست. بعد از آن هر این وضع است نگاه در عین در آنجا
 نیز به احتمال زیاد همین معنی - توجه او به محضیت فانی شاهان از رکه در - داشت.
 معنی بزم به آن با (لازم) و نام و به همین جهت از او است که **II** به قصد وزن
 عدالت اول (۱) بازگشت. هندز به سر پیچ بدو نشاندند. (دریم) او "نیز
 در جهت عکس من از در بر حرا! (فصل ۷) دیگران گفتند که او به جهت عکس
 بازگشته است. او که تا آن سر پیچ من را درم به دور که متعاقب عین حرکت او را انجام داد
 بودم. بطور متعاقب حول شد و به همان ترتیب از آن درین جهت و طرف نفوذ
 حرکت نمود. من از وزن عدالت (۱) منفرد شد و این بار از سر پیچ بطرف کوه **III**
 و پیچید و تقسیم گرفتیم که نه در قفسه را درآ و **III** از کوه **III** کوه من می خدای
 حضرت مقدم بر من و در آن (۱) (۱) نه و طرف من به سمت کوه **III** (۱)
 حرکت کردم. در این لحظه به نظر می آمد که "او" دوباره به سمت عین باز خواهد گشت یا نه
 و رفت و به کوه عدالت (۱) و حیا به مقدم بر من با گنجه به دیوار کوه فندقه - لکه رکه از کوه
 به من دیدم و به وجود داشت به من - منتظر او شد. او به سمت کوه من رفت و به من
 به از کوه (۱) به طرف فندقه مورد نظر حرکت کردم تا بینیم که او به من باز می آید
 یا نه. **۹** وارد کوه **III** شد و دوباره از کوه من از آن طبع آن با کوه به سمت کوه **III** رفت
 تا به کوه **III** که او را دیدم که از این کوه وارد کوه **IV** شد و طرف به لایحه
 در این مرتبه نیز از این لایحه یکباره به دور خود را با جفت و دوباره از من دور شد و
 به از کوه من از کوه عدالت (۱) و در این لحظه من به من باز به سمت عین او شد
 کوه **IV** به سمت به من رفت و من از کوه **IV** وارد قفسه من شد و در این لحظه
 من به طرف به حرکت کردم و به همین ترتیب از کوه عدالت (۱) گذشتیم - متعاقب

[illegible]

خیابان
عباسی

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

خیابان
نوروزی

آرامشگاه

خیابان
آرامش

« نحوه سوزاندن مدارک در مواقع اضطراری »

همانطور که در پیش نامه مربوط به انتشار نشریه ایستی آ. ام. قرار شده در اولین شماره این نشریه راهنمایی راجع به ساختن یک وسیله برای نگهداری مدارک سوزاندنی به ترتیبی که برای رفقای که دیده و تجربه تکلیفی ندارند نیز قابل ساختن باشد، همچنین توضیحاتی راجع به نحوه سوزاندن مدارک آورده شود. اینچه هنوز در دست خراشیم آورده: اول توضیحاتی راجع به نحوه سوزاندن و ~~مواد~~ مواد سوزاننده مورد استفاده و دوم توضیحاتی راجع به وسیله نگهداری مدارک سوزاندنی و طرز ساختن آن. اول راجع به مواد سوزاننده مدارک و نحوه سوزاندن آنها: همانطور که رفقا حتماً مطلعند تاکنون از ناپالم برای سوزاندن مدارک استفاده میشده و کاربرد آن بهین صورت بوده که رفقا مدارک سوزاندنی را در یک آگهی قرار داده و در کنار آن ظرفی (معمولاً یک بطریک نیمه ای) حاوی ناپالم قرار میدادند. در موقع لزوم ناپالم را روی مدارک درون آگهی ریخته و با زدن کبریت آنجا را به آتش میکشیدند.

اینچه نحوه سوزاندن مدارک که تاکنون تنها نحوه قابل ابقاء در سازمان شناخته میشده در تجربه نشان داد که به هیچوجه دارای رانده مان نبوده به طوری که پس از اتمام ناپالم و خاموش شدن سعله اگر مدارک به نظر اگر تعداد مدارک زیاد بود و از دفترچه و کتابهای نسبتاً بزرگی تشکیل شده بود - بطور نیم سوخته و حاشیه سوخته برجای میماند که در درجه اول ناشی از نرسیدن هوای کافی به مدارک در حال اشتعال به دلیل بهم فشردگی آنها و در درجه دوم ناشی از مقدار کم ماده سوزاننده ناپالم میباشد. توجه شود که سوراخهای به نه آگهی نه تنها تأثیر حین ان میبوی در جهت رساندن هوا به مدارک در کار مان ندارد بلکه این سوراخها باعث خرز

رفتن نایالم نیز میشود بطوریکه اگر سبب از این ایزه معنی نایالم روی مدارک بریزیم
 از این سوراخ خارج شده و رانایی در عمل سوزاندن مدارک نخواهد داشت .
 از طرف دیگر از آنجا که یونولیت موجود در نایالم در موقع سوختن دود
 زیادی ایجاد می کند ، مانع نایالم برای سوزاندن مدارک در محل های سرپوشیده
 ای مانند اطاق که ضرورت مانند انزادگی در آن نیز الزامی است ، مثلاً در
 زمان درگیری با پلیس و مقاومت مسلحانه ، مناسب نیست ، زیرا ایجاد ناراحتی
 در مجاری تنفسی کرده که در صورت ادامه منجر به خفگی نیز میگردد . در این
 گونه موارد یعنی در غین محل های که سبب و محدودی سیوان از اکل
 صنعتی برای سوزاندن مدارک استفاده کرد ، حضرات اکل در سوختن
 بدون دود است . البته حرارت و دیرپایی نایالم نسبت به اکل بهتر
 است * که این فایده را با مصرف بهیة اکل سیوان جبران نمود .
 لذا به جرات فوق برای سوزاندن مؤثر مدارک باید به ایلی ایجاد کرد
 که اولاً مدارک در معرض اکسیرن کافی جهت سوختن قرار گیرد ، ثانیاً ماده
 سوختنی به مقدار بهیة و به طریق مؤثرتر در مجاری مدارک قرار گیرد ،
 ثالثاً حتی الامکان به وسیله سوزاندن به جای نایالم از مانع سوزاندن
 بی دودی نظیر اکل استفاده شود .

بر این اساس طرح ذیل پیشنهاد میشود . این طرح در عمل تجربه شده
 و نتیجه رضایت بخشی داده است .
 دوم وسیله سوزاندن مدارک : این وسیله بر این اساس ساخته
 شده که اولاً مدارک از یکدیگر جدا بوده و هوای کافی در بین آنها جریان

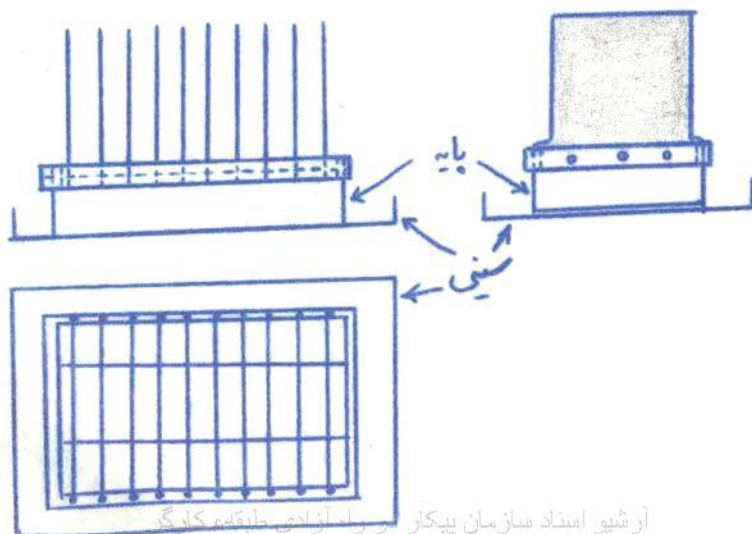
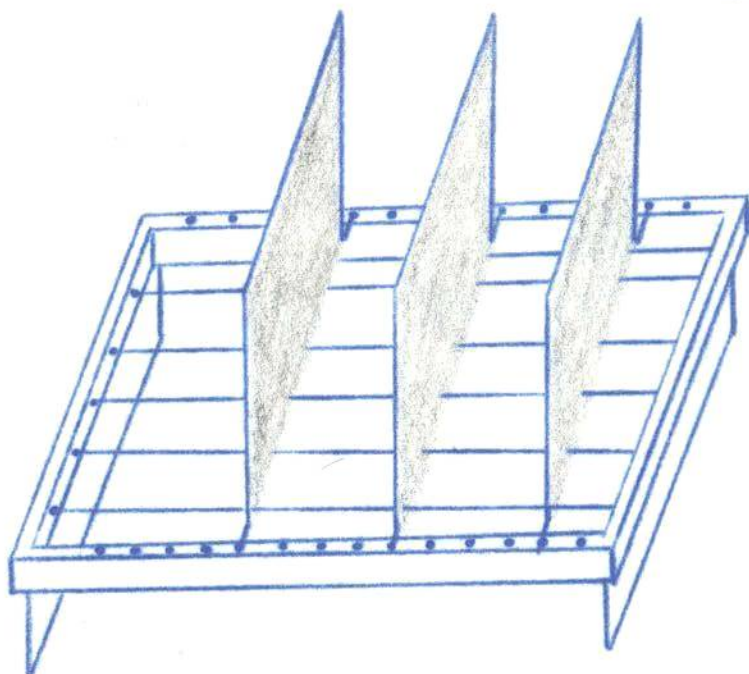
* این راه باید توجه داشت که اکل نسبت به سوختن در مدت به مانند
 تیز و نیز به وسایر مستقات نفق دارایی سوزاندن می است

دارنده باشد. ثانیاً مترقی از اکل در زیر مدارک موجود باشد تا هم از زیر نیز
 سطل به مدارک برسد و هم اینکه در این مترق اکل به بیستی بتوان بکار برد.
 محل گذاردن کتابها و مدارک تشکیل شده است از تعدادی صفحات توری
 که مدارک در بین این صفحات به طور ایستاده قرار میگیرند. در صورتی که
 کتابها پر برگ باشند میتوان به طریقی آنها را قرار داد که یکی دو صفحه کوچک
 در بین صفحات آن کتاب جا بگیرد. تعداد زیاد سوراخهای چارچوب
 - حدود ۳۵ - خفت - نسبت به تعداد صفحات توری - حدود ۱۵
 عدد - به خاطر اینست که بتوان متناسب با قطر و شکل مدارک، صفحات
 را در جاهای مناسب روی چارچوب تغییر مکان داد.
 همانطور که گفته شد کتابها را باید بصورت ایستاده در بین صفحات
 توری گذاشت. مطابق شکل روبرو



این شکل گذاردن دو دلیل دارد. اول اینکه موقع ریختن اکل روی مدارک،
 این مایع میتواند لای برگها و صفحات کتاب رفته و باعث تیره شدن آن
 گردد. دوم اینکه سطله ای که از زیر و از درون سینی به مدارک میرسد به قسمت
 بسته و صغافی شده کتاب برخورد کرده بلکه به برگهای باز و آزاد برخورد کند
 و آنها را تیره بوزاند. در زیر این وسیله یک سینی قرار میگیرد. و آنچه در
 فوق آمده شد به دلیل رانده مان بالا تر رسیدن هوا - نسبت به آتش - و
 همچنین وجود سینی، در این سطله میتوان از اکل صغفی به عنوان مایع
 سوزاننده استفاده کرد. مقدار مصرف اکل برای حدود پانزده مدارک
 هکدام به حجم تقریبی یک دفتر صد برگ حدود ۲ سطله اکل صغفی است.

در زیر شکل های این وسیله دیده می شود.



آرشینق امتداد سازمان پیکار از راه آزادی طایفه کلاوگ

موقع ریختن الکلی روی مدارک، مقداری از این مایع به درون سینی راه خواهد یافت، علاوه بر آن باید مقدار دیگری الکلی بطور مستقیم در سینی ریخت. با این عمل مادر حقیقت هم مدارک را از زیر نیز آتش میزنیم و هم تداوم جری برای سوزاندن از طریق بکار بردن حجم بیشتری از الکلی تا مین کورده ایم.

این سینی را میتوان از بازار تهیه کرد. نوع مناسب و ارزان آن سینی سینی های چلی پرسی است که روی آن عکس و منظره چاپ شده است در کف سینی باید مقداری پنبه پهن کرد. این پنبه را مقداری الکلی درون سینی را جذب کرد. و به دلیل اینکه سوختن مایع را کنترل می کند، باعث تداوم مشتبه عمل و دیر تمام شدن الکلی گردد.

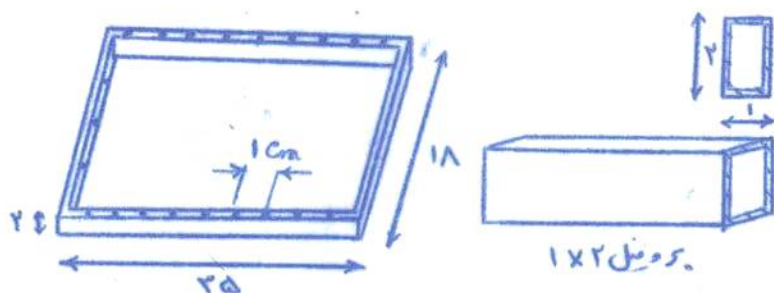
این وسیله قلیل شده است از یک چارچوب از جنس پرومیل آهن چیده شده ایم که در کف این چارچوب قرار گرفته، پایه های سیمی برای بالا نگاه داشتن چارچوب از سطح سینی، یک سینی که وسیله در درون آن قرار بگیرد، تعدادی سیم که در سوراخ های روی چارچوب قرار بگیرد و مدارک را جدا از یکدیگر نگاه میدارد و مقداری تورک سیمی.

طرح تهیه: *

۱- چارچوب پرومیلی که در اینجا بکار میرود دارای مقطعی مستطیل

* ابعادی که در اینجا می آید برای مدارکی با حجم در حدود ۱۵ عدد دفتر صد برگی است. و افع است که این ابعاد متناسب با تعداد مدارک قابل تغییر است. مختصر و مفاتی که تعداد کمی مدارک سوزانده می دارند می تواند از طرحی ساده تر دیگری که بدون استفاده از چارچوب پرومیل نیز عملی است استفاده کرده. مشروط به اینکه این نکات در آن طرح در نظر گرفته شود: مدارک عمودی و جدا از یکدیگر قرار گیرند همچنین تعداد آتش از زیر نیز به مدارک برسد.

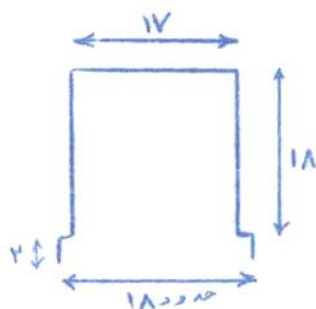
با ابعاد 1×2 سانتیمتر است. از این پرویل یک چارچوب با ابعاد 25×18 سانتیمتر می‌کنیم. برای بسته آن می‌توانید به مغازه‌ای در وینچره سازی که به تعداد زیاد در سطح شهر موجود است مراجعه کنید.



پس در روی دو ضلع خردتر آن تعدادی سوراخ به قطر ۳ میلی متر ایجاد میکنیم. بطوریکه اولاً سوراخ‌ها دو تا دو تا مقابل هم بوده و ثانیاً فاصله دو سوراخ در یک ضلع از هم دیگر ۱ سانتیمتر باشد. این سوراخ‌ها که حدود ۳۵ حفت می‌شود طری زیاده می‌شود که از هر دو ضلع پرویل عبور نماید، تا به این ترتیب سیم‌هایی که مدارک لابلای آنها قرار گرفته اند با عبور از دو ضلع پرویل ممکن در جای خود ایستاده و به طری کج و راست نشود. همین تعدادی سوراخ - حدود ۵ حفت - در سطح داخلی اضلاع کوچکتر باید تعبیه شود. این سوراخ‌ها جهت قرار دادن تعداد ۵ عده دسیم در کف چارچوب برای قرار دادن مدارک روی آن می‌باشد. توجه شود که هر کدام از این سوراخ‌های اخیر در یک سطح پرویل ایجاد شود نه دو سطح، اما دو سوراخ ۵ عده دسیم به دو سطح سوراخ نشود دیگر کرده و بیرون نیفتد.

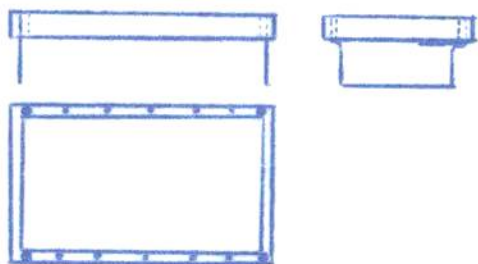
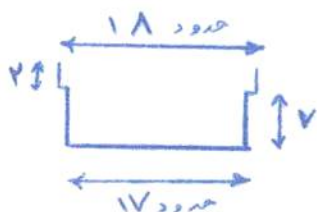
متیان محل سوراخ‌ها را روی اضلاع چارچوب علامت گذاشته پس با مراجعه به همان در وینچره سازی یا تراشکارها را می‌توان لازم را ایجاد نمود.

۲- قسمت های سیبی . مقنن سیبی که بکار رفته از نوع نرم (مقنن های ساختمانی)
 با قطر ۳ میلی متر است که میتوان از بازار تهیه نمود . این مقنن را باید به سه شکل
 در ۳ در ۱۰ . اول تعداد پانزده عدد مطابق شکل زیر برای بالای چارچوب که
 کتاب بین آن قرار گیرد .



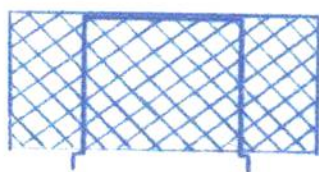
دوم تعداد ۵ عدد به
 طول حدود ۳۵ سانتی
 جهت قرار دادن در کف
 چارچوب .

سوم : تعداد ۲ عدد مطابق شکل زیر به عنوان پایه های چارچوب . این
 پایه ها را در دو جهت سوراخی که در دو انتهای اضلاع بزرگ چارچوب
 وجود دارد قرار میدهیم .



۳- قوری سیبی : از همان نوع معمولی است که برای جلوگیری از ورود مگس به
 پیچیده میگیرند آنها سیبی شود از نوع سوراخ درست انتخاب گردد . نقش قوری
 به این صورت است که مانند دیواری - البته دیواری که نه فقط مانع جریان یا مگس
 هوا شده بلکه جریان هوا را خود هدایت می کند . مانع از به هم چسبیدن مدارات
 به یکدیگر میگردد . مدارکی را که بصورت کتاب پررنگی می باشد میتوان به خوبی
 روی چارچوب قرار داد که یک یا دو صفحه از این قوری به همین جهت از به دو یا

یا سه سمت تقسیم کند تا سوختن آن آسانتر گردد ۱۰ این توری را باید در
ابعاد تقریبی ۲۴×۱۸ سانتیمتر بریده تا بتوان یک بار به دور سیم‌های بالای
چارچوب پیچید. مطابق شکل زیر محل رسیدن دو سر آن به هم را بوسیله
سیم‌های نازک مثل سیم‌های ماشین دوخت بیکدیگر وصل نمایند.



واضح است تعداد لازم از این قطعات توری را نسبت با تعداد سیم‌های
ساخته شده برای بالای چارچوب.

برای مونتاژ وسیله اول توری را به دور سیم‌های فلزی می‌بندیم (بهتر است
دیر توری را هیچگاه باز نکنیم، در صورتیکه برای حمل و نقل میتوان قسمتی از توری
نظیر پایه ۲ یا خود همین سیم را که توری روی آن پیچانده ایم گلاز چارچوب
بیرون آورد) بعد ۵ سیم مستقیم را به کمی انحنادادن در در صانع کوچک
چارچوب جا میدهم. سپس پایه ۲ را به سه راج‌های آخری از زیر فرو کرده
و از روی سیم‌هایی که دور آن توری پیچیده‌ام را در جاهای خودشان فرو میکنم

* پیوسته باشد *

در مورد حق رسیدگی و آشنایی زدن مدارک سوزاندنی از

آنجاکه :

- ۱- چنانچه رفاخواه به منظور فردی و تک یک اقدام به خرید ابزار و مواد لازم و سفارش دادن قسمتی لازم آن به متاخره؟ پس ساختن قسمتی دیگر آن در پایگاه بکشد. وقت و انرژی هفتی - نسبت به به تعداد لازم از این رسید در یک نقطه با استفاده از ابزار و لوازم مناسب آن - صرف می شود
- ۲- مخارج به ابزار و مواد و خدمات لازم به طور تک یک در مقایسه با خرید یک جای مواد موجود بودن ابزار ، بسیار زیاد می شود .
- لذا تصمیم گرفته شد ، به تعداد لازم از این رسید به عمده گروه کفشی سازمان واکتار گردد . این رسید پس از به در اختیار رفاخواه خواهد رفت .

* «انفجار ناخواسته نارنجک در خانه پایگاهی قلعه مرغی»

چگونگی حادثه:

ساعت ۱۴ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۶۴ ۵۶ کی از زنتا - A - که صبح را
 تنها در منزل بوده و در آن هنگام مشغول لباس پوشیدن بقصد خروج از خانه
 بوده در حالیکه می خواست نارنجک نفری خود را که در کفش چپینمایی امتیاز می نموده
 و لیبنتی تا نیمه در آن فرو رفته بوده بیرون بکشد در اثر بی احتیاطی و نا
 (یا کسری؟) شدیدی که محلقه وار در میاید (بعد از آنکه دقیقاً برای کار روشن نیست)
 "حلقه" نارنجک کشیده شده و "اسپیل" بیرون آمده و "جاشنی اتسارت"
 عمل می کند. بدینال صدای نسبتاً رُده انفجار "جاشنی اتسارت" (کمی پیش از
 صدای انفجار رُده ها / نوا / هفت تیر ها / اسباب بازی) و جرقه شده آل تد
 A به نارنجک جلب می شود. بعد از کمی مدت متوقفه علت صدای رُده نارنجک
 را روزی می گوید که از دو طرف درب خروجی اتاق می رود و می در دستگاه گویا
 که هندز با و روشن شده است که چه فاجعه ای در شرف وقوع است!
 مکتبی کرده عقب سر خود نگاه می کند! که می بیند ضامن دستی نارنجک بلند
 شده و از به نه فاصله گرفته است. اینها دیگر مطمئن می شود که انفجار در چند لحظه
 دیگر قریب الوقوع است لذا سریعاً بطرف درب خروجی اتاق می رود
 در آستانه درب و فاصله ۲،۵ تا ۳ متر از محل نارنجک در حالیکه تقریباً

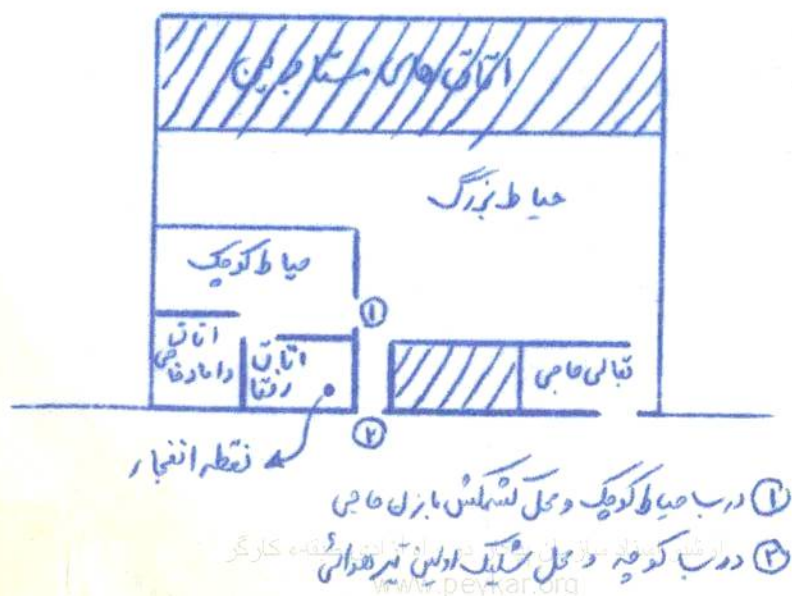
* گزارش تحلیلی فوق توسط نواز اعفای کرده مربوطه (A و C و D) نوشته
 شده بود که بعد از برخورد با / لازم کرده تسویه امنیتی - نظامی و تسبیح و تکمیل ر...
 آن بعد از نتایجی که در فوق ملاحظه خواهد کرد آمده است.

تنها پاس عقب او در آن بوده و از یک منفرجه می شود و قطعه زیری از آن به پیلوس
 ران است او که در تیروس قطعت منفرجه قرار داشت می خورد و شوار او را
 سوراخ می کند و جراح طحلی از درپاشین ایجاد می کند. A احساس درد و کوفت می در آن
 است (عقب) خود می کند. البته از شدت صدا و درج انفجار و هیجان درونی
 که از گنج و مات می شود ولی بلافاصله برابر برداشتن اسلحه کور بقیه فرار دارد
 اتاق می شود. داخل اتاق را در غلظت و گرد و خاک ناشی از زرش غبار از
 سقف (سقف از حصیر و کاه و گل بوده) گرفته بوده و آن را در حالت معمولی
 نیز کم نور بوده حسابی در تاریکی فرو بردن بوده بطوریکه با چشم هیچ حائنی دیده
 نمی شده و تنفس هم مشکل بوده. ناگزیر H بیک دست محل اسلحه را پیدا کرده
 و در غلاف خود داخل کس تجیزاتی که از قبل بهنگام عازم شده با بار بیرون
 سببه بوده می گذارد و پیراهنی می پوشد و با جاگه اردل تمام مدارک از اتاق
 بیرون می آید. قبل از خروج از اتاق لحظه ای به ذهن A می زند که مدارک را هم بیرون
 بیاورد ولی متأسفانه به دلیل آنکه نه نایالم و کبریتی برای آتش زدن مدارک
 در دسترس بوده و نه اصولاً مدارک کفایت نمی و در جواب اول از سایر مدارک جدا بوده،
 H هیچگونه معطلی را جایز نمی داند و فوراً نفس خود را پوشیده و در صد خروج
 از خانه بر می آید. بعد از انفجار حاصی (حاصی نه ۵ ساله) که در معائنات
 (بقالی که که خبری از خانه نداشت می باشد) مشغول کار بوده و متأسفانه که ۱۰-۱۵
 نفر می شدند اطراف درب اتاق و در حیطه کوهک و نیند معطلی که این
 اتاق (و یک اتاق دیگر متعلق به دفتر و داماد حاصی) در آن قرار داشت،
 جمع می کردند و بعضی ها هم به داخل اتاق سرک می کشیدند که بینند چه
 رخ داده ولی بقیه تاریکی چیزی را نمی توانستند بینند ۱۰-۲۰ نفری

هم تا آن موقع کججا و اند در اطراف درب کویه درب دوم که از حیاط اصلی
به کویه باز می شده و پنجره کوچک آن قی جمع شده بودند. موقع خروج از آن قی
صاحبخانه و یک مرد قوی هیکل ۲-۳ عی ساله دیگر که گویا یکی از مستاجرین بوده
ولی A تا آن زمان او را ندیده بوده، در حالیکه در شان را به درب حیاط کوچک
تکیه داده بودند و عملاً مانع از خروج A بودند از A می پرسند که چه شده؟
A جواب می ده "چراغ ترکیده! ... بروید شیلنگ آب بیاورید ... آقا
حاجی که در میان راسته شده بوده با منی گفتن آنری در حالیکه به چراغ که در حیاط
و بیرون از آن قی بوده! ائ او می کند می گوید "آره، چراغ ترکیده! ... حالا
شما اینجا بمانید ... " A که ابتدا سعی می کند با گول زدن آن در دستش آن
دنبال شیلنگ یا ... از جلو درب رد شدن کند و قی این کوشش را بی نایده
می بیند اسلحه خود را می کشد و ضمن تهدید از آن می خواهد که از جلو درب کنار
بروند. حاجی که اسلحه را می بیند چشش چهار تا می شود و کنار می کشد مرد قوی
هیکل نیز کنار می رود اما موقع خروج A از درب زن حاجی که تعجب زده
می خورد دست A را می گیرد و مانع از خروج او می شود که بلا فوره A با تهدید و شارب
و هزل دادن زن خود را از دست او رها می کند و طرف درب کویه می رود
در آستانه درب کویه از آنجا که زن حاجی و حاجی دست جبین ... دنبال او
راه افتاده بودند و جمعیت زیاد در هم (حدود ۲۰ نفر) از زیر درشت اطراف
درب اجتماع کرده بودند و عملاً عبور او را با کنند / امکان پذیر می ساختند یک
تیر هوایی شلیک می کنند که ضعیفی موثر واقع می شود و جمعیت را در جا خود می خواب
می کند و A فرار می کند. سر او این صبح به پشت سر خود نگاه می کند ۲-۳ نفر
را در ۲-۳ متر عقب تر می بیند که محال غیبه و دنبال او می آیند در اینجا یک

تیر هوائی دیگر هم شیکت می کند تا دیگر کسی قصد تعقیب او را نداشته باشد و از خود ادا نه
می دهد (ملاحظه می شود که در شکل تعین شده) در کوچه ها و در دیگر هیچ نمونه ای
از تعقیب نمی بیند لذا اسلحه را در کس می گذارد و گفته پیراهن خود را می بندد و در
اولین ضیاع بال سوار ماشین شده از منطقه خارج می شود.

A پس از خروج از منطقه عازم محل خط خانه که در کوچه باجه تلفنی بوده می شود و می چوین
ماژیک می نمی تواند بدست آورد باید در کوچه آن خط می زند که عملاً فایده ای ندارد
و از ضیاع بال بهیچ وجه دیده نمی شود و از آنجا که اتصال می رفت B (عقد در خانه با یکا)
زودتر از موقع از کارخانه بیاید (بدلیل قطع برق یا...) و A قبل از آنکه موفق
شود خود را بکارخانه B برساند و او را خبردار کند B بطرف محل سلامتی خانه حرکت
کرده با کلاه عازم محل سلامتی خانه می شود تا در آنجا حمله ای که حاکی از بروز
خطری بکارخانه است نفوذ. اتفاقاً در محل سلامتی خانه C (عقد در کوچه)



↑ شمال

سیرال قند

قلعه مرغی

کوچه ۲۹

خانه با گاهی

مسکنا نوانی قابل خانه با گاهی

کوچه ۳۰

کوچه ۳۱

خط آهن دوم (اهواز)

سیر فرار باید ادن ل داده شده
 ۴ محل ادین شیک هوایی
 ۳۱ محل دومین شیک هوایی
 ۳۴ محل سوار شدن با قشون و خارج
 شدن از منطقه

بازار پادگان قلعه مرغی و جوادیه

را که او هم بر این یک علامت سلفی با شما آمده بوده می بیند. موضوع را بر این
 تعریف می کند و چون احتمال زیاد می رفت که کارت کارخانه B در خانه جانانه
 باشد و معلوم لباس کار آرم دار کارخانه او و شما نه جعلی مورد استفاده فعلی اش
 در منزل بوده قرار می گزیند که C برابر فرید مائیک و زدن علامت کارخانه برود
 A فوراً عازم محل کار B شده و او را خبر کند تا فردا از کارخانه خارج شود
 (A محل کار و اسم جعلی B را می دانسته). وقتی A به B وارد کارخانه می بیند B
 می گوید که کارت کارخانه مرا هم هست و در خانه جانانه هست. تقریباً که امروز
 را تا آخر وقت کار کنم فردا پس زدام که تعطیل هستیم و روز شنبه برابر تقصیر باب
 و ترک عادی کارخانه! بکارخانه بیایم!!! اما ملاحظه با اصرار A دست از این
 خوش خصلی وطن گش برداشته و از کارخانه با ساختن یک محل خارج
 می شود (ساعت ۲٫۵ بعد از ظهر)

* C قریب ۲۰ روز بود که جمع A و B و D وارد شده بوده و دو هفته ال ۱۱
 شما در این خانه با یکاهای بعد از سال می خوابیده ولی چند روزی بوده که خانه
 جدید گرفته و دیگر باین خانه رفت و آمد نمی کرد لذا C قرار نداد خانه باینه ولی
 بدلا می می بایست سلفی A را در آن روز بگیرد.

ضربات و خسارات وارد در این جریان چه بود؟
ضربات بالقوه آن که ممکن بود در این جریان بخوریم چه بود؟

در این جریان اگر چه خوشبختانه تلفات انسانی بسیار نیاورد ولی مدارکی که بدست پلیس افتاد تقدیر می بودند که این ضربه را به ضربه شخصی از نوع خود تبدیل می کنند. با مدارکی که بدست دشمن افتاده تقریباً دیگر تا آن زمان در سطح سازمان اطلاعات هم و بالقوه ضربه زنده ^{از} باقی مانده بوده تا لورنسن آن کیفیتاً اطلاعات دشمن را در زمینه ها ^{از} سیاسی و استراتژیک و تکنیکاتی از سازمان ما اضافه نماید. این بخش غیر قابل حیران و مهمتر ضربه بوده است در حالیکه علاوه

* "اطلاعات بالقوه ضربه زنده" در مقابل "اطلاعات بالفعل ضربه زنده" آورده می شود و "اطلاعات بالفعل ضربه زنده" در واقع همان ده ها شخصی در میان مدارک لورنسن است که با اولین پیگیر ^{از} ده ها ^{از} ده ها پلیسی به تورات و اکتان و ... سازمان یا ضربه وارد می شود. در این جریان از این نوع اطلاعات غیر از لباس کار B و شناختن به صلی اش که محل کار او را مشخص می کرد و خوشبختانه با سرعت عمل رفقا بدون به خارج کردن B از کارخانه و پاک کردن این یادشده، اطلاع بالفعل ضربه زنده می بدست دشمن افتاد که بعد از بدست گرفتن شش نفر تعداد از افراد امکانات بالقوه و ... که در حقیقت نتایج جنبش می توانستند مورد استفاده قرار گیرند. ما اطلاعی از پیگیر ده ها پلیسی در این مورد نداریم و نمی دانیم چه ضرباتی از این طریق، جنبش وارد کرده است اما به حال لورنسن این مشخصات خود بخش می از ضربه وارد و تشکیل می دهیم. این مشخصات بعد از دتر چه رفتی بوده است که در این خانه نگهداری می شده ولی نتوانستند کلید بخش از این دفتر چه رفتی از ۴ ماه بوده که بی حجت در کنار سایر مدارک هویت اصلی A در پلاستیکی داخل مدارک توسط او نگهداری می شده و البته ماهها بوده که اعتدال وجود چنین چیزی را فراموش کرده بوده و نه، لا محاله بعد از ضربه و آزار هم بطریقی می یاد آن روز می افتد! که با گیر افتادن این کلید دشمن می تواند جنبش از دتر چه رفتی را باز کند.

بر این مادر این جریح و زهره را زاید را از دست دادیم که میرال پذیر هستند
ولی جبرال آن هفته ها و بلکه ماهها از زهره خفته بن از زعفران تسکیناتی را بخور
مستعمل می دارد. البته دیوار ضمیمه و غیر قابل عبور بین این دو نوع اطلاعات
و این دو نوع ضربه (جبرال پذیر و میرال ناپذیر) وجود ندارد و در شرایط معین
و متفق بر این دو نوع ضربه قابل تبیلیک می گردند. در زیر با ذکر لیت مدارک
گیر افتاده یعنی نمودن ترتیب اهمیت ضربه ای که هر مدارک لورفته می تواند
به سازمان و جنبش وارد آورد این مدارک طبقه بندی شود. البته این طبقه بندی
در رابطه با اطلاعات ما از مدارکی است که تا زمان این ضربه برابر پلیس فاش
شده و با تطبیق لورتن مجدد آن ضربه به ترتیبی می تواند بیاراد آورد. البته در این میان
بطور کلی موارد تاکتیکی را باید استثناء نمود چون اگر چه موثر است ولی
از یک تاکتیک (مثلاً شیره جعل معانی) نزد پلیس لورفته باشد اما تعدد نمودن
گیر افتاده از همان تاکتیک پلیس را در رسیدن به کم و کیف تاکتیک و میزان
مورد استفاده بودن هر تاکتیک کمک می کند و در نتیجه دشمن امکان می یابد که
از نیروها و خود بطور آگاهانه تر و موثرتر استفاده نماید.

لیست مدارک لورفته به ترتیب درجه اهمیت ضربه ای که هر مدارک
می تواند بزند و خسارتی که بدینال دارند *

الف - در رابطه با آفرین نظرات سیاسی - اثراتریک موجود و قطعات
آینه سازمان :

۱ - دوره کامل نوار مذاکرات سازمان با اشعایون از فدا نیان .

در اینجا تذکر این نکته لازم است که ما اطلاعات " بالفعل ضربه زنده " را (لورتن
دفتر خبر و یک کلید افرا در این لیت ذکر نمی کنیم چون بار محض من بخود دارد .

۲- قطعه مشک بعد از این مذاکرات .

ب- در رابطه با حادثه ترین مایل درون تکلیفاتی و اغراض اصلی موجود (اعمال طلبی) :

- ۱- مجموعه تقریباً کامل مدارک و بویژه جریان اغراضی اعمال طلبی (غیر از نامه پنجم کاظم که نقد سبب برآوردن و تقاضای "شکست" محمود)
- ۲- صحت/ کاظم با رفیق B (در آفرینش محسن در دانه او با B) اطلاعات و تهمیدی که او مطرح می کند بطور کامل در این نامه منعکس شده (در نامه ها و تهمیدی سبب این مایل که بعد از آنکه ضمیمه اطلاعاتی داشته مطمح نشده بوده . این نامه از نظر تبلیغاتی می تواند مورد سوء استفاده دشمن قرار گیرد)
- ۳- نمودها و نمونه ها/ اغراض اعمال طلبی و ... محمود که در روابط عامه خود با A و B داشته است (نوشته A)

ج- در رابطه با آفرینش تکلیف/ مورد استفاد به بار حمل و تهیه مدارک

استثنای و چاپ نشریات و ... :

- ۱- مدارک هویتی جعلی و مورد استفاد، فعلی A مایل به کارت کارخانه او (فردی در "زر" وابسته به گروه هفتی "زنا") ، یک قاعده ضربت، شناسنامه عکس ها/ متعدد باقی مانده/ منتشر، یک کارت جعلی شرفی (لاوان) عکس ها از این جهت نیز اهمیت دارند که پلیس نیز عکس را شناسایی و چندین سال پیش از حق را داشته و با قیام جدید و آنهم منتشر از او عکس نداشته . لوز قس محل کار نیز برخی اطلاعات تبعی برابر دشمن به راه دارد .
- ۲- لباس کار کارخانه B (لیتروئن) که برابر تغییر نباشد آورده بوده (از یک هفته قبل) و پلیس از آن به حمل کار او ... می راند .

۳- شناسنامه جعلی مغزی B (لیتروئن) که از آن بوده (فردی شناسنامه) (پس)

۴- یک برگ فوق کپی از کواهمی (م) که از آن بوده (فردی شناسنامه)

۵- (با قتل زیاد) یک ششماهی در ابط با یک برنامه فور و در دست اجرا می‌باشد
و... با گیر افتادن آن اقل ۱۰ پلیس متوجه این برنامه و تالشک لوزنترا که در
محلی از این برنامه وجود می‌داده خواهد شد. با وجود آنکه بر این ششماهی ها
وقت بسیار صرف شده بوده (حدود ۲-۳ هفته وقت کامل یک عفو)
اما بدلیل احتیاطات لازمه مجبور شدیم از آنرا چشم‌پوشی کنیم، برنامه بار دیگر به
تعلیق می‌افتد (به اثرات سیاسی و تکنیکالی تعلیق است) هر دو مورد نظر نیز می‌باشد
و اقل ۱۰ بعد ها تنها با صرف مجدد از روز برای ششماهی و پذیرش خطرات
بیشتر بتوانیم برنامه‌ی بی را اجرا کنیم.

۶- یک برگ، فاکتو خدمت سفید، یک پایال خدمت اصلی، تدریس در کالکلی
آماده که از روز پایال خدمت اصلی و ششماهی تهیه شده بوده که همه آنها داخل
یک ششماهی سر تا سر یک شده قرار داشتند و آماده جعل بودند.

۷- در ابط با از دست دادن امکان، دست و ردها، جدا، مدارک
هویتی... که گاه هم لشبته جبران پذیرند؟

۱- کتابچه رفرات با فارغ. این رفرها و مخصوص این سیستم رفر بعد از تالشک
۱۰۱۵ ساله رفرات رسول در این زمینه و تکامل سیستم ها... به دست آمده بوده که
با گزینی یک سیستم دیگر لشبته و با صرف از روز برای امکان پذیر است.

۲- تخلیه یک با نگاه بسیار سنگین بدلیل اقل صغیفی که ممکن بود پلیس از تزارها
با آن برسد. البته در صورت پیش نیامدن این حادثه نیز در صورت رد کردن تزارها
با ششماهیون (که قضا اینکار هم طبق تقیم قبلی سازمان در دست اینم گدن بود)
باز مجبور به تخلیه این با نگاه بودیم چون هیچگونه اطمینان به آنرا از جهت آنکه تزارها
به دست پلیس نیافتد، نیست. البته دوباره چنان امکان دارد... و رسیدن
وضعیت مانه قبل از ضربت طبق یک برآورده قابل اتکا در ۳۰۶ ماه وقت کامل دو محضروای می‌گردد.

۳- یک عدد نامرتب، ۱۴ دانه شنگ ۱۱ میلیتی (دست سبز) (در جدول ۲)

۴- حدود ۵۰ عدد از اعلامیه هرگز چاپ شده در خارج مربوط به اعداد ۱۲۱ و ۱۲۲.

۵- گواهی نامه اصلی A، دو گواهی نامه اصلی B، سه شش نامه جمعی قبلی B (با

است م. لوز قند و لوز قند)، کارت جمعی شرکتی B (شرکت لادال) با مشخصات قبلی و

لوز قند اس، کارت کارخانه قبلی B (با نام لوز قند)، سه شش نامه متفرقه قابل

استفاده (سفید و غیر سفید)، ۷ شش نامه قابل استفاده که داخل پاکت صادر شده

بوده و با نام سرخسین به هم (جمعا ۱۱ شش نامه قابل استفاده در این جریان گردش استفاده)

۶- یک سری مدارک آموزشی و تئوریک سازمانی نظیر: جلد ۲ و ۳ نشانی آمار

نشین، ۲ نشانه اخلال طلبی نشین، چه باید کرد، نشانه حب، اعلامیه هر متفرقه،

۱ حقیقت رابط طوطی دلار، گزارشات سگزار طوطی ۳

۷- معافی بازاد عکس دار یک رفیق سید (یا اسیر)

۱- - - -

ه- در رابطه با روشن کردن کم و کیف گروه، مسئولین ارتباطات تحت موسسه،

سلح و موقع ویرانیک اعفاء گروه و مدارک کارخانه همراه با یک شش نامه و موسسه

مربوطه که تکمیل دشمنی از این نوع کمتر دیده بوده، - - - - -

۱- گزارشات، نوشته ها، تحلیلها، مدارک استفاده و - - - - - مربوط به حدود لا تقوا

اعفاء و یا یک تیکه شش نامه در گذشته ها حال در رابطه با گروه بوده اند

۲- روشن کردن کارخانه رقتن و من حمل کله A و B به بار پلیس

۳- نظرات و تحلیلها A و B و اعفاء در مورد دست تل و مدارک استراتژیک

۴- جمع بند مطلب آفرینش گروه

۵- شش نامه مربوط به جمع بندی کرد که مذکرات کلاسها و صحبت

۶- - - - -

و- در رابطه با شناخت سرجمع و دقیق پلیس از انجمن و در رابطه با آنان

۱- نوار مذاکرات و قطعنامه مربوطه

- ۲- نامه آخری سازمان بآنها همراه با فرستادن شناسنامه و... بجا آید.
 ۳- یک قرارگیتی با ماحصله زمانی چند هفته برای انطباق دادن (البته قرار غیر
 قابل اجرا بود چون سلسله مراتبی قرار داده نشده بود)
 ۴- ...

در این باره با شناخت هر چه بیشتر و جدیدتر روابط ما با دنیا و مافیها وضع
 آئینه سازمان در مقابل آنها:

۱- مقدمه انتقاد خارجی تشریح و تکرار (باصطلاح زیاد)

۲- دو نامه مفصل آخری سازمان بآنها موزن دی و بهمن ۵۵. این سه نامه اگر
 چه در ماه آذرماه و خرداد ماه می باید ولی به حال چند ماهه در سطح رشد روشن
 از این مواضع و این روابط برای چنین خواننده روشن دارد.

۳- ...

در تحلیل از یک ضربه اگر ما فقط با آن ضرباتی که خود را می آنگاه کنیم هنوز
 رسیده از کتاب قضیه ارشد می و هنوز ابعاد واقعی ضربه را ندانستیم در آن
 کنیم و بهین لحاظ در تحلیل صنعتی که موجب بروز آن ضربه شده اند و در
 نتیجه گیریم سیستمیک و یا موضعی مان از ضربه و چارای آن را، خوشبختانه بطریقی
 نگار، جدا نکردن اصل از فرع و... خواهیم کرد. لذا در زیر "ضربات بالقوه ای"
 که احتمال زیاد برای فعل در آمدن آنها و ایجاد ضربات وفادار و بیشتر
 می شد ذکر می کنیم:

۱- محتمل ترین ضربه ممکنه، گسسته شدن یا مجروح شدن سید A در هنگام انفجار
 بود بطوریکه نتواند از منطقه بگریزد که بهر حال به نابودی وی منجر می شود. فتنه
 کم تو قبح و لحظه آخرت عمل کمتر کافیه بود تا وی قبل از اینکه از آن خارج شود و یا
 فاصله کافی از محل انفجار داشته باشد، نارسنج منفرجه و فاصه را از دهده.
 صدای عمل چاشنی استارت خود صدای را به سید B در حدود صدای انفجار

تخته های نو از آن که بچه ها بآن بازی میکنند و داخل هفت تیرها مخصوص است
 قرار دارند بوده است. در عین حال جرقه و نواز یا در هم از بالا نارنج بیرون
 زده بود که حتی این نواز به رفیق را بخود جلب نمیکند. اما ناچار در سریع انتقال
 نبودن در چنین مواردی عدم ماطعیت در تصمیم گیری. رفیق باعث می شود که
 او تدریجاً متکلف کند و سرعت عمل لازم را خارج ندهد بطوریکه می توان حدس قوی زد
 که آقای مانیه زمان تأخیر برابر این نارنجکها فرصت کافی را بوده تا بتواند
 متوجه واقع شده و خود را از اطلاق بیرون بیاورد. طالب اینجاست که حتی وقتی
 A دالته بطرف درب اتاق می رفته و سوار راه گرفته تعجب نگاه نمیکند تا...؟!
 تا ببینند نارنجک در چه حال است. آیا وقت دارد متغیر شود یا خیر؟! و... که
 می بیند ضامن دکتری نارنجک از بدنه بلند شده که دیگر در اینجا مطمئن می شود چه فرقی
 داده و چه چیز در شرف وقوع است. توجه بدلائل و روشیه ها این استباه
 تا تسکینی رفیق را منجر به عکس العمل رفتن و کشیدن A پس از کشیدن صدر چاشنی خود را که
 روشن می سازد که آقای حد خط جانی خود A را اندر می کرده.
 ۲- خط بالقوه بعد از گریز قابل B در این جریان بود زیرا با پس کار با فاصله
 که در حال وقوع B در آن مشغول کار بوده بجای ده هوشیت جلی و مورد استاده
 او (شناخته و فکرمی کلام کوه پیچیده) در منزل بوده که احتمال آنکه پس از مدت وقوع
 به توضیح اینکه پس از هر کشیدن ضامن ~~ب~~ ابتدا چاشنی آتبارت عمل کرده و سطله آب به
 ماده تأخیر می رسد که پس از تأخیر آقای مانیه سطله به چاشنی اصلی (انفجاری) رسیده و
 این چاشنی ماده متغیر درون پوسته را متغیر می کند.
 ** از نظر تجربی نقل شده غشی عمل کرد چاشنی: نوز و صدر آتبارت، باران و
 مقدار است.

حادثه (در بعد از ظهر) تا وقتی که اواز کارخانه بیرون آمده و سوار بر وسایل خود (در)
صد رینگه A بکارخانه او نمی رفت B طبق معمول ساعت ۵:۳۰ کارش تمام شده و با سوار
برکت کرده بوده) سیراخی محل کار او برود و همانجا دنگیکش کند کم نیت * بطلاد
این احتمال هم وجود داشت که با توجه به ضعف B و خوش فیلی و ... او قوی و قشنگ
دیده است A بر او اعلاست سلامتی خانه از زده (در صد رینگه B) A آنجای می افتاد
که نمی توانست خود را بجل سلامتی برساند) بخانه برود (ضمن استیفاء فاضل را B
حد اقل دو بار انجام داده بوده لذا احتمال ضمن برود و غمی لاله اگر کم نیت)

۳- خط باله و دیگر گیر اندادن D بود. این احتمال اگر چه بسیار ضعیف می باشد ولی
بر حال وجودی داشت زیرا اعلاست خط خانه می بایست در دو محل زده می شد ولی بدلیل
C تنها خط اول را می زد در حالیکه اگر تا قبل از قرار صبح جفت D با جمع شرایط اضطرار
بر A D پیش می آمد (D عنصر چهارم گرد، بود که تنها هفته ۱۲ روز بخانه می آمده و در این
اواخر نیز به ایلانات می زد و وضع تو جویی را اینجای خانه طبق نقشه جمع دیگر
نمی بایست آل خانه رفت و آمد می کرد) و مجبور به آمدن بخانه می شد بنا به گفته فوس
با احتمال بیشتر فقط خط دوم الکه در سیر او وارد داشت نگاه می کرده و نمی می آمده که در

* اینکه پلیس هیچکس متوجه محل کار B نشده و چه وقتی از آنجا سیراخی B را زده بر
مار دشن نیت در بهترین حالت برابر پلیس اینجا را تا ۲ ساعت طول می کشد
ساعت ۵:۳۰ بگذرد آنجای می گوی او رفتار می دهد الی تمام رد می شده که ۲ گشتی را در حالت
توقف کنار میدان در حالیکه تعداد از سر نشینان هر دو ماشین پیا در شده و در کنار ماشین
مغول صحبت بوده اند می بیند. آراش ظاهر که این نیروها و در کین نبودن آنان
می دهد که ظاهر آنست زیاد که نبود که خبر شده اند و در حال هنوز بطور کامل متوقف شده
بودند چه در این حد است آنجا تحت پوشش های مناسب و عادی در خانه و کوچه ها اطراف
کین می کشند نادیده است و در آنجا توفان بیدار بخانه متوجه شد گشت و وضع محل نده و در ادامه باقی

انصیر است در معرض خط می بوده. علت آنکه C علامت خط دوم را ترده بودن
 آن بود که قبلاً به دلیل نزدیکی بودن نمی محل این علامت نباشد و... صحبت از تعویض
 و لذا این علامت شده بوده و C با شباهت گان برده بوده که این علامت لغو شده
 لذا محل آن از خط شش نیز محو شده بوده و موقعی که بطور اتفاقی A را در محل
 علامت سلامت خانه می بیند و قرار می شود که C خط را بر نه فقط بطور مبینی
 و چون یک علامت دوم خط در ذهنش بوده که برابر بر طرف کردن شکست
 مرفوع را از A می پرسد ولی آنجا که A ضرورت خط زدن را می بیند در رابطه با B
 می دانسته و عملاً اصواتی برابر آمدن D می گوید که این سه به C می گوید "هینیا را برن"
 - این سه به محل خط اول - که در نتیجه C با اطمینان از اینکه خط دومی وجود ندارد
 فقط علامت اول را می زنند. جالب اینکه بعدها که با B صحبت کرد وی نه تنها
 زدن خط دوم را تعجب نزدیکی نمی بخاند و در میانه تردد گشتی ها بودن! یک
 یک خط ناک می دانسته (علامت دوم روی باجه تلفن در قلعه مرغی بین سربلی
 و خط اول می بود) بلکه زدن خط اول را هم اصولاً زیاده مدانت و می گفت
 خطی را که در محل سلامتی خانه برابر من نوشته بودید بمانی بود!!

تحلیل تاکتیکس - ایدئولوژیک این واقعته و ضربت وارده:

چرا چنین حادثه رخ داد؟ ضغفه، انتباهات و انتقادات وارده A در این جریان چه بود؟ نقش سایر اعضا، گروه چه بود؟ که ام ضغفه جمع باعث گردید که این ضربت ابعاد چنین گسترده را بخود بگیرد؟

در تحلیل این ضربت بطور خلاصه باید گفت که لیبرالیزم شدید زمینه سائل افسیت نظامی

موجود چنین ضربت را و با چنین ابعاد گسترده گردیده است.

لیبرالیزم در اشکال مستقیم، عدم احساس مسئولیت، زیرکانه اشن ضوابط

اولیه سازمانی در زمینه سائل افسیت و نظامی، فوئشیالی (ناسی از تبدیل نقد دگر

خود و دشمن)، برخورد فوئشیالانه غیر دقت غیر قاطع سبیلکارانه و در یک کلام

برخورد غیر نظامی باید بدهد هر نظامی، عدم کنترل متقابل لازم جمعی، ...

این ضغفه نمی هستند که محرز باشد از خود را در این واقعته و بطور کلی در روابط و

حفظه صیات حاکم بر این گروه دانسته است. البته در این میان ضغفه A و B

نقش کاملاً بارز را داشته اند. این لیبرالیزم در زمینه سائل افسیت و نظامی نمی توان

و نمی توانسته از لیبرالیزم تشکیلاتی و سیاسی این نظام جدا بماند و نمودها بارز از

این اغراضات نیز وجود داشته اما از آنجا که موضوع این نشریه پرداختن بخوان

ضغفه نمی توانیم بماند در این مائنه به ضغفه نمی که در رابطه با سائل افسیت و نظامی می باشد

می پردازیم؛ اما نکته قبل از هر چیز در این حادثه نظر شخص را بخود جلب میکند

چگونه می بر خورد A با نارنجک بغدادی و سبیل فطانت نظامی می باشد بلکه نکته

هرگز نه بی مبالغه و بی دقتی و ... که منجر به محکوم دانسته آنگاه در موجب یک فاجعه

موجب ضرباتی کیفیتاً بیشتر از عملکرد نافواسته (ششک نافواسته) سلاح کوی و یا
هر المکده دیگر می شود. این مکتوم است که هر حال در اثر عمل A روزی نارنجک در موقع بیرون کشیدن
آن از غلاف، اسپرینگ بوسیله حلقه از جاک خود بیرون کشیده شده و با رفع این مانع
از سر راه حرکت ضامن دستی، این المکده (ضامن دستی) ملبذ شده (از بدنه نارنجک
فاصله گرفته) و در نتیجه حالتی التماسی عمل کرده که پس از چند ثانیه موجب انفجار
نارنجک گردیده است. بی دقتی و عدم مهارت لازم A در برخورد با این المکده
خطایک بوضوح دیده می شود این بی مهارتی و ... تنها در مورد کشیدن
نارنجک از غلاف که نسبتاً آسان بوده و آسان تر از آن بوده که با توجه به مقدمات این اشتباه
و برخورد و کارهای قبلی رفتن نیز ابعاد و اشیاء دیگر از ضعف دانش می دهند

در ششمین آتش (تجزیاتی) A چهار محل تعیین شده بوده: ۱- جای سلاح کوی ۲- جای
یک خناب افشانه ۳- جای نارنجک ۴- جایی برای ششک / زفره. از آنجا که
A و B و C حتماً ۱ المکده داشتند و در آنروز المکده و تجهیزات (نارنجک یک خناب افشانه)

ششک / افشانه) A نداشتند و B آنها را نداشتند. اما المکده B دارای
۱ خناب افشانه بود (ششک افشانه نداشت) که در آنکه هم بصورت



داخل یک نایلون پیچیده شده بودند و عرض آن دو برابر عرض یک

خناب شده بوده. چون ششمین B برابر A مناسب نبوده A که خارج خارج شدن

از پناهگاه بوده تصمیم می گیرد المکده و تجهیزات B را در ششمین خود وارد دهد. در اینباره

ترین کار و طبیعی ترین کار آن بوده که A المکده و نارنجک B را در جاک المکده و جاک

نارنجک کس خود نگذارد و دو خناب بهم پیچیده را باز کرده یکی را داخل جاک

خناب یکی خود و دیگر را داخل جاک ششک / افشانه بگذارد. اما A بداند که به

سهم کار / ... در دقت و ... و در تحلیل نهایی بر خود اطمینان دارد و باید به کار

نظری بر می گردد می خواهد هر طور شده دو خناب را به هم پیچیده بهم
در داخل جاک یک خناب پیچاند! که بعد از مدتی کلید را روشن می کند (جاک)

خواب A بر یک خواب گد و نسبتاً مناسب بوده ولی هر حال دو خواب هم در داخل آن جایی نمی گرفته! پس تقسیم می گیریم که دو خواب با بهیچ نسبت در خارج نارنج بگذارد و نارنج را در خارج خواب! لذا نارنج را از خارج خود در آورده دو خواب را در داخل آن قرار می دهیم و وقتی که می خواهیم نارنج را داخل خارج خواب بگذاریم باید نسبت داخل می شود با بعد از آن در یک به نصفی از نارنج را داخل خارج خواب می گذاریم دیگر بیشتر از آن نمی شود! که این طرح هم شکست بر می خورد! و می خواهیم نارنج را از خارج خواب بیرون بکشیم که با زور اول نمی در همین جادو می بایست هوای خود را در فضا می گردانیم در واقع علامت می کشیم که نارنج خودمان را می خواهیم از غلافی که مناسب آن هم درست کردیم داخل فضا می بگذاریم هم ندارد بیرون بکشیم کاملاً وقت می کشیم که انگشتان ما با حلقه می رسند البته باید با اگر دارد طول برود بکشیم که امکان دارد آمدن می کشیم در به حلقه نباید اما A این بار انگشتان خود را در نارنج حلقه زده و با یک فشار ضربتی نارنج را داخل قبل از آن حلقه نارنج را! از جایش بیرون می کشیم. در آمدن حلقه و اسپیل مستقل بآن همان و تعبیه فضا با بهیچ! ...

* یادآوری:

A نقطه می سن نسبت با از حلقه است. با انگشت شست روی بدنه نارنج نسبت با با از نقطه A نیروی نسبت با بالا به حلقه دارد می شود که موجب بیرون کشیدن اسپیل می شود.



محتمل ترین حالتی که بنظر می رسد آن آنست که موقع بیرون کشیدن نارنج انگشتان از فضا مطابق شکل دور نارنج حلقه خورده بوده و بطوریکه کنده انگشت ←

در این مقام است که ذکر نموده کار دیگر از پرورد A را با اصلاح ذکر کنیم. چند روز
قبل از این حادثه منظور مفید مکانیم دقیق نارنجک دستی و شش قطعات مختلف
سازنده یک نارنجک و استخوان نیز ان مقاومت یک انجیل در موقعیت ما بخیر اهم
از نارنجک استفاده کنیم و حلقه آز آبیم D قطعات مختلف یک نارنجک را از
هم باز نموده و به A و C نشان می داد D است ا گل نارنج را از ساز نارنج باز کرده و
پس مالوره نارنجک (شکل عاشق التارت) ماده تأثیر و عاشق انتی که بهر جسده است
را باز کرده و آز آب نارنجک را از آب نارنجک دستی دور باله D دوباره گل نارنج را پس
و به A و C می دهد ما هر کدام با کشدن حلقه نیز ان مقاومت یک انجیل را
موقع کشدن و نبردن که بر اگر کشدن لازم است است ل کشته که آز نیز انجیل
را می کشد پس C مالوره نارنجک را آز دوره D دوباره آز اسیر طرح فرد می پس اما
A در حالت هنوز ها نخاسته بوده بدون آنکه با ین س له توجه کند و بدون آنکه لااقل
وقتی مقدور دوباره کشدن حلقه را از دور بر ا اطمینان یکبار دیگر سوال کند با
خوشنمایی م حلقه را در دست می گیرد که بکشد !!! که D فورا دست اورا
می گیرد و می گوید "چکار می کنی !؟ حوالت کمی ت نگرند می مالوره را دوباره بر
بالش و پیچیدم " که A می گوید "... مگر مالوره را هم سرجایش گذاشته ای !؟
حواسم نبرد... " توجه می از این قبیل هنوز چند دقیقه از این است با
ناشن نگذاشته بود و در حالت A و C و D هنوز دور هم نخسته بودند و در دور
نارنجک و ... حجت می کردند B نیز در کند آز خوابیده بوده A بر آنکه
سفت (و یا از حلقه در طرف قابل قرار گرفته باله کناره انگشت اش ده) از ریشه و
گرفته و رقع فا دست بطرف بالا کف دست و انگشتان بدون بدن نارنجک بطرف بالا تغزیده
و در نتیجه با ش را یک کناز از ریشه (نقطه A) وارد می آید حلقه هم روی بدن بطرف بالا تغزیده
را با دست بطرف بالا انجیل بدون کشیده شده و حلقه زمین آشاده و ...

نارنجک را از نقطه ای نقطه دیگر (مثلاً سمت راست) بگذارد آنوقت خود را
داخل حلقه نارنج کرده و آنرا بلند می کند و گویی دارد با اسباب بازی را و مثلاً
"یو یو" بازی می کند آنرا حرکت می دهد که در حالیکه C و D از این محل او متجلی
و ... می شوند فوراً نارنجک را از دستش می گیرند و D با وضو می دهد که :

"این المک بسیار خطرناک است، بنظر می رسد تو بزودی در خود آن نثار
این شیده بزودی تو بسیار خطرناک است، از این ببعد وقتی خواست جمع
بشود و تمرکز کند نثار هیچ وجه به نارنجک دست نزن"
اگر A لحظه ای تصور کرد و در آنرا این امکان را می گوید که مکلف حلقه
کشیده شود و بر او می توانست فتنه که چه فایده ای را فرغ می داد احتمال کشیده
شدن هم عقوبت و از حق تمام مدارک و ... اما چرا چنین تصور و چنین امکانی نهی A
خطر نمی کند؟ این با اصطلاح "خوشنمایی" او "سلح" و "رویا" می که اسم "محقق" و
"زیرنیا" می باشد؟ می شک نیست که لیبرالسیم نمی تواند موجب این خوشنمایی باشد
احتمالاً در تمام این تحلیل ما هر جا اسمی از "خوشنمایی" می بریم است، ما به شکل بروز
این لیبرالسیم است و هرگز "خوشنمایی" را نباید یک "ضعف عقل خود" یک مقوله
مجرد و یک ایده اخلاف نمی بینیم. خوشنمایی همواره روینا و شکل ظاهر یک
زیرینا و یک ضعف پایه را دیگر می باشد که در تحلیل ما در مورد مستحق که آنرا
برای می کنیم (ضعف A و بهینطور B) این خوشنمایی ظاهر لیبرالسیم A در اینجا
مثل این معنی - نظامی است - می شک این لیبرالسیم از عدم احساس مسئولیت
بر دلالت حجاب نیست و این مقوله آنقدر هم نزدیک و در هم تفویض متقابل دارند که
همواره یکی حاوی مقدار معینی از دیگری می باشد و وجود یکی دلیل بر وجود
دیگری است.

دومین ساله آنیکه در جریان این ضربه یکسوم می خورد و شکافش آن یکسوم یکبار است
 توان گفت تنها می تواند تمام ابعاد ضعف اصلی را با یک ساله مدارک
 است: چرا باید اصولاً این مقدار مدارک درجه اول در یک جامع گردد؟ آیا
 وجود تمام مدارک موجود در پایگاه احتیاج نامند بود؟ چرا ثواباً همگونه
 پیش بینی برای مواقع اضطرار / مواقع ضربیه / روزانه / سریع / تخلیه سریع / پایگاه
 ... شده بوده؟ کدام ضعف هر یک از اعضاء کرده و هر یک چه
 میزانی در وجود آمدن چنین وضعی در روز فتنه استباهاتی و نه تأیید کرد و مکمل
 ابعاد ضربیه می شود؟

در این هیچ شکلی نیست که ابعاد ضربیه کاملاً متناسب با کیفیت و کمیت مدارک و
 اطلاعات مورد نیاز باشد این را می توان بر ارضی با نگاهش به بیت مدارک
 مورد فتنه دریافت. پس در مورد مدارک باید تکیه و مواظبت بیشتری کرد.
 وجود یکسوم از این مدارک مخصوصاً بخش حساس از آنرا (از لحاظ اطلاعاتی)
 اصولاً بی مورد بوده و می بایست یا از بین می رفتند و یا بجا دیگر منتقل می شدند
 اهم این مدارک عبارت بودند از:

۱- کلیه یک روز پیش از ۴ ماه بوده که نزد A باقی مانده بوده و او تکلیف وجود
 چنین چیز را فراموش کرده بوده. جریان از این قرار بوده که در اواخر دهانی که فراری
 شماره ۱ (محمود) هنوز در زمان فعالیت می کرد و متحول جمع A و B بوده و از
 یک سری رفر و یک کلیه محققان باز کردن آن رفرها را به او می دادند تا بیک
 کلیه رفرها را باز کرده و با امکان بالقوه افراد ... که در این رفرها آمده
 است در صورت امکان در دسترس بودن آنها و در صورت ضرورت در دسترس

برفورد کنند و می گیرند لازم را بر آنها بیاورند و با عامله رفر و کلیه رفرها را از بین ببرد. اما محمود

آنجا که از هر انحلال طلب خائنی چون او انتظار دارد با انفعال و بی احساسی
کامل با این وظیفه بر خور کرده از سرگیری و برای رفع تکلیف ظاهر و فرو کلیه ها
به A و B می دهد تا خود باز کشد و بینند چه قدر درون آن نوشته و خودشان
بر خورند و از سر را بکشند !! و البته حضرت آقا را هم در میان بگذارند! A و B فرو کلیه ها
را می گیرند مقدار از آن را باز می کشند و رستی از اطلاعات سر خود ناقص و عملاً بر ما
بلا استفاده بوده (البته نه برای طریقی!) و رستی دیگر هم که قابل استفاده بوده به دلیل
بلا تکلیفی A و B و مستحق نکردن بر نامه را بر خورند با آن از طرف سولا محمدا
این رفق متعجب و معطل می مانند که می کشند لذا در جمله بعد موضوع را به محمود می گویند و
هم می گویند بسیار خوب فرو کلیه را انگارید تا من از رفا پیر سهم که باید با این چکار کرد!
(در حاکم خود با صطلح عقیده کزیت اجرائی بوده و در مورد این از هم توضیحات کافی
با و داده شده بوده) پس همان و پشت گرس انداختن تا موقع فراش همان
تا A و B نه در آن نه تی که محمود هنوز مسئول بوده و نه بعد از رفتن او با رابط یا
مسؤل بعد از هیچگاه موضوع را می گیر نمی کشد و رستی یک سوال ساده هم نمی کشد و بدین صورت با
بی احساسی مسئولی کامل نسبت به کسانی که تکلیفی است آن در این رفا آمده
بوده نسبت به امکانات بالقوه مختلف جنسی نسبت به کار که بعد از آن گذاشته
شده بوده و... تکلیفی جنسی رفا و بر نامه را رفا و شش می کشد و فرا محمود و روشن
شدن مواقع انحلال طلبانه و خیانتکارانه و بی احساسی مسئولی ها و انفعال ها
پشت گرس انداختن ها و... پیر المستی او از طرف سولا محمدا A و B نیز بابت
نمی گردد که این رفا نسبت به کارها رسول گفته شد با آن از کافی وقت کرده
و با یک داری محب و تقادانه تمام حرکات و بر خوردها و... او را و در کامل کشد
چه در انصورت مستحق این مورد نسبتاً هم از بر خوردها غیر مسئولانه و انفعالی و...
محمود را بخاطر آوردند و در نتیجه موضوع نگذار / فرو کلیه نه هنوز آن به موقع می کشد

A و B حتی در همان اولی که این رفز و کلید دستشان بوده و موضوع گفتار تازه و سطح بوده
 اقدام لازم را برابر حفظ آنها بجمع نمی دهند * رفز نزد B و کلید نزد A بوده ولی ایند
 رفز همراه محموله شان خود مدتی در کنار هم بوده اند !! بهر حال این فراموشی ادراست
 و نه ۱۰ - ۱۵ روز بعد از واقعه انفجار بود که بطور اتفاقی و در جریان صحبتی متوجه در بر
 سیم رفز و ... با یکی از رفقا، وجود کلید در میان مدارک لو رفتی یاد A می افتد *
 بیک این کلید دشمن می تواند بخشی از دفترچه رفز را که همراه مدارک دیگر گیر افتاده باز
 کند و به نفیوس از شئی از امکانات بالقوه و وافر او ... که نوعی می توانست مورد
 استفاده خصی و آراگینه مطلع گردد .

آقا در مورد دفترچه رفز : دفترچه که در رفز و قی بطور موقتی در این خانه پنهان شده بوده
 و از سه هفته قبل گم شده که B آنرا بکس دیگر را کند . زیرا بعد از صحبت و

* این رفقای توانمند رفز و کلید را در دو محل جداگانه و در دو نقطه امن (سایه درخت دیوار)
 خارج از محل سکونت پنهان کنند و در هر هم محل آنها را با شش تا ده نفر از مردم هر کدام متباعد از یکدیگر
 * * اینکه ^{واقعا} چاقوی (یا زین) سولی که در جریان دادن رفز و کلید مذکور به محمد بوده
 در دست کسی که محمد هنوز نگرفته بوده و یا بعد از آن و یا موقع ضرب (حدود سه ماه)

سوال دیگر این است که در صورت محتمل رفز ها شنیده اند و یا شنیده اند اما شنیده اند یا نه
 نیز و ادعا می کنند که باید خود این رفقا مسلح را روشن کنند . البته این اشتباه ادعا می شود
 دید ، مشروط به بیارگر رفتار با وسایل حادثی که چه در او اثر فعالیت محمد
 و چه مخفی شدن بعد از فرار او و این گرینگر با کلید زینال و در در میان این رفقا مسلح
 بوده منجمله همین دلیل تا حدی (حدود یک ماه) سازمان نتوانسته بود سازماندهی
 قطعی A و B و رسول جدید آنها را تعیین کند .

تقسیم همی این A و B و D قرار شده بود که چون کسی که کلیه رفتارها درست آورده،
در ارتباط با این خانه بوده و هر صورت احتمال دارد در صورت وقوع یک ضربه وسیع دشمن
هم به فروهم به کلیه دسترس پیدا کند، برابر است بین B این دفتر چه را یکس دیگر
در کند و او که غالب اوقات را هم در خانه اش می ماند در فضات A و B که یکبار می رفتند
و می توانند در صورت پیش آمدن خطر فوراً مدارک را از این ببرد، از این دفتر بلند می کنند
ولی به دلیل همان انفعال و عدم احساس مسئولیت و عدم پیگیری کار B اینکار است
که شن انداخته شد.

۲- یک شناسی در رابطه با یک برنامه فرار و در دست ابرار میانی نگه دار این
شناسی نزد A ۲-۳ هفته بود که دیگر زنده بوده و می بایست سوزانده می شد
صحن در تفصیل که به گفته قبل از ضربه از مدار خود عبور کرده بود، آنرا فرو می گزید
سوزاندن ها که از آن سوزاندن ولی این یالت همچنان تا روز ضربه باقی مانده بوده.

۳- نوشته تدوین B در مورد صحبتی که با او با کفیس این نوشته رد شده بوده
ولی برابر مطالعه چکند پس آنرا نگاه داشته بوده ولی بعد از خواندن از این نمی برد
که اینهم داخل پاکت سوزاندن ها را به دست پلیس می افتد.

۴- یک برگ فتوکپی گواهی عدم سوء پیشینه B که کاملاً زنده بوده و اصداداش
چیز غیر بابت باقی ماند چون متن به در کار گرفتن در کارخانه جدید هر همی خود و که
افتادن آل اطلاعات پلیس را از آن کسی که مابقی می کند.

شناسنامه جعلی فعلی B که می بایست همان خودش باشد و نه در خانه
لباس کار آرام دار کارخانه B این لباس را B برابر تعمیر می آن آورده بوده در
حالی که در حال کارخانه می توانسته و می بایست با بردن کوزل و نخ تعمیر کند اما بعد از
تغییر لباس حدود یک هفته بوده که این لباس کار در منزل مانده بوده که پلیس با گذر
با این لباس مخفی می که در کند شناسنامه جعلی B که باها تا سوزانده کار می کرده
وارد شده باشد، حتماً و قطعی سر به حمل کار او می راند. اصداداش نیست که B

با گذاردن این در کارخانه خود در خانه دیگر چه احتیاجی بکارتن سلامتی خانه فلک است که
از کارخانه به خانه بر می گشته داشته؟! فکر بکنی نمی توانی او را در همان محل کارش
دستگیر کنی؟! این خوشبختی B و عدم امساح منسوب در حفظ خود بجای نگه می داری
که حق موقیع که A به کارخانه او می رود و از او می خواهد که فوراً لباسش را بپوشد و
با آوردن بهانه از کارخانه خارج شود او ساده لوحانه نمی گوید: آفر اینطور که نمی شود
بیرون آید! او در آن آفتاب و گرمی کار می کند و او پس فدا هم که تعطیل هستیم، شنبه را
روز دیگر! برای تقصیر صاحب و ترک عادی! کارخانه دیگر خانه می آیم!!
B به شناسنامه جعلی قبلی اش را (لورفته و لو گرفته) همراه یک کارت شناسائی شری
جعلی (با مشخصات قبلی لورفته که در نتیجه کارت دیگر بلا استفاده خواهد بود) و کارت
کارخانه قبلی اش را همچنان مایل نگه می دارد کرده بوده (گویا قصد تکثیر و تکثیر
مدارک هویتی داشته است!) در حالیکه می بایست شناسنامه ها و کارت ها و مدارک
لورفته را یا معدوم نماید و یا در صورت امکان اسم و مشخصات آن را پاک کرده و با
استفاده مجدد خود یا سایرین آماده سازد و پس آنرا همراه شناسنامه قابل
استفاده دیگر از خانه خارج نموده و در محل اسی نگه دارد گفته.

۵- یک فاعله خدمت سفید، یک فاعله خدمت اصلی و یک شناسنامه و مهر کالکی و...
که چند نفر بوده که C آنرا به محل آماده کرده بوده که بدلیل برقراردت نقدی و
مسئله کار او در حالیکه خود تقریباً همچو کارت شناسائی جعلی نداشته آنرا
درست نمی کند و یا بعد از رفتن از این خانه با خود نمی برد تا نزد خودش بماند و یا
با اضافه بدست پلیس می افتد.

۶-۶-۶-۶-۶

اینها نیست عمده مدارک اضافه ای بودمانند که اصولاً یا می بایست قبلاً از
بین برده می شدند و یا به دیگر مسئول می گفتمند که جمع این مدارک اضافه ابعاد ضریب را
با جمع کرده می کنند. آماده هر صورت ما در هر خانه با یکدیگر همراه می شدیم مدارک اطلاعات
در جبهه اول فراهم داشت که ضرورت نگه داشتن آنرا به محل وجود دارد (از امانی بایست

فکر ضوابط و دستم ملخص یابیم که حق الامکان مانع کیا قادن این مدارک بهت دشمن
باشد. برای این منظور ضوابط مستحق در زمان ما وجود داشته است اما
متاسفانه این ضوابط در این گروه رعایت نشده بودند. مدارک سوزانده شده از مدارک
غیر سوزانده می بایست جدا می بودند و در ظرف مناسبی (معمولاً رفاتا آگلش استفاده
می کردند تا موقع سوزاندن هوا از زیر پاکش برسد و بهتر سوزاند) گذاشته می شوند
که در کنار آن ظرفی از ناپالم (تینیل + یونولیت + تیرین) و کبریت باید آماده می بود
ولی در این وضع چگونه بود؟! : قریب یکماه و شش بوده که A و B خانه پاکش
را آتش کرده بودند اما در این مدت مدارک انبرقی بصورت تلبا آتش شده بدون
هیچگونه درجه بندی، بدون جدا کردن سوزانده ها از تبقیه داخل یک جردان معمولی رنجیه
رند بود که آتش و مهتاب هم داخل همین جردان گذاشته شده و در واقع کسی
خانه نبوده یعنی بیشتر از اوقات که هر دو رفیق سرکار بودند، جردانی تری بوسیله قفل همگی
خودش (که با هر کلید جردانی و قی با بنیاق یافت رست می توان قفل آنرا باز کرد) بسته
می شد. در این مورد بی شک اعتقاد عمده به A و B بر می گردد زیرا اینها بای اصلی
علنی و رانگی خانه بودند. D نیز دور از رفیقان و هفت رانجانه آنها می آمده و
استبدال مهال پیش آنها هم مانده و قی القدر در قی می شده رفت و آمده و مانند
او از دید صاحبانه و متعجب برین حقی می بانه. C نیز تنها دو هفته بوده که مجمع
A و B و D پیوسته بوده و ملکی نامشک بود خانه پاکش کار اصلی او شده
هر چه تردد تر خانه از جردان و انتقال از قباکان خانه بود است. تا تکلیف اول
آنها مستاجر می بودند از رفت و آمد (تب غواصین) C مطلع بوده و تازه بعد از
این تکلیف بوده که محله مورد نظر بصاحبانه گفته شد و دیگر او را استبدال مهال و
فامیل A می متعجبند. بد نصیرت C و D خود مستقل امکان فرموده شد
آتش تیرین و تینیل و یونولیت و پاکش و... رانده آتش و تری می توانستند از A و B

بخلاف آنکه این کار را انجام دهند. ولی C و D نیز بر خورد می گیرند از آنرا A و B نیز
 نمی روند. D توسط A و B در این زمینه تلفت بوده. C در اولین روزها و در این زمانه
 عدم وجود نامالیم و جدا کردن مدارک سوزاندنی می شود و در این باره علت را از A و B
 می پرسند و بر این نتیجه می رسند که C و D مدارک C و D و اصولاً تلفت مدارک و نوشتها
 C و D در C می دهو که بهین خاطر ملاحظه A مدارک و نوشتها خود را تلفت کرده
 و مدارک زیاد را این را در پاکت سوزاندنی ها می گذارد از آنجا که غیر از آن کلیه افر
 که چون داخل طلق مدارک هویتی بوده متوجه آن نمی شود. در روزها که یکبار
 C مدارک سوزاندنی از آن غیر سوزاندنی ها کرده و در ماهی تا به این داخل چیدان
 می گذارد اما این کار او گوی از B و A (و A) زیاد در بعضی است! چون همان شب
 هنگامیکه B با محله می خوابت لباس می پوشد و عازم افر افر می شود و بعد از بیدار شدن
 مدارکی که نیاز داشت تمام مدارک چیدان و ماهی تا به را هم زرد بطوریکه تا حدود
 زیاد مدارک مخلوط شوند و در روزها که بعد از A و B شب می در خانه بودند با هم رختن هر چه
 بیشتر تقسیم شد مدارک داخل چیدان دیگر در C و غیر سوزاندنی باقی
 نمانده بود. C با وجود دست هده و توجه به این اشغال امنیتی (ندون نامالیم و جدا
 شدن مدارک) هر حال بهیاطی که در تحلیل نهائی به اشتغال و خود ادرستن کرده حسن
 نکردن بر می گشته. بر خورد دیگر این لازم را نمی کنند بطوریکه تا تذکرات و خوابت
 او از A و B به نتیجه نهائی و محلی خود نرسیده باشد دست از می گیری بر ندارد.
 اینکه که ششهای C و D و می گیری C در برخورد و مبارزه با لیر السیم است. نظامی
 A و B عموماً تا چه اندازه می توانست مفید باشد و آیا اصولاً در عرض ۲-۳ هفته
 A و B تا چه اندازه تغییر کرده و اصلاح کردند و نتیجه علمی این تغییر در هوگی از این
 ضربه و هوگی از گسترش ابعاد این ضربه می بوده یک سال است و بعد از آن کوشش
 C و D برای اصلاح و فتح می که اگر دیگر با توجه دقیق تر و بیشتری به حق گیری السیم

یا مستاجرین و یا نقیض ساده آگاهی می‌ها و یا ذره و یا ... و معمولاً در خانه‌ها
یا از جایی که انتقاد می‌شود (برابر السله می‌نویس) و یا از حدیثی با حقیقت و سبب محکم
D در روز هاجر اولی که بجمع A و B وارد شده بود، ضرورت ساختن یک جاسازی را
برابر وارد ادل السله دارد و تفسیر کسی در خانه نیست و هر دو رفیق سبب کار هستند
خرید یک چیدان ممکن بودی را مطرح می‌کنند و A و B می‌پندارند که این کار را بکنند
ولی بعد از یکی دو هفته که با وجود آنکه D کار را در این مورد نکرده بودند باز هم موضوع
ساختن جاسازی منتفی شده و در یک جمعی غیر ضروری می‌دانسته بشرط آنکه چیدان خرید می‌شود
اما بدلیل انفعال این رفتار و عدم احساس مسئولیت لازم تا ایام بعد نیز باز به چیدان
۵- یک آنکه A و B و C و D برابر کار خارج می‌رفتند بودند B برابر کنش خرید می‌شود
یک میوه از درخت شروع به پریدن هوا می‌کنند در حالیکه مار نجاب او در کمر بند می‌نویس
سُئل و در حال افتادن بود. D با دلیل وضع نارنج قرص به B هدیه می‌دهد که
(بیا، بیا...) ولی B می‌تواند به این اظهارها بعد از ۴ بار هوا پریدن باز باز
نارنجک از گوش روی زمین می‌افتد در حالیکه ۵- و عتد آنقدر یک خانواده برابر نارنج
نفسه بودند. خوشبختانه کسی متوجه نارنج نمی‌شود و B آنرا فوراً در کمر بند خود
می‌گذارد. A و C و D که از این ~~محل~~ بی‌فایده‌ها و باز بگوش‌ها غیر مسئولانه B
نارنج شده بودند باو انتقاد می‌کنند که چرا حواست را جمع نمی‌کنی و - D می‌گوید من
هم بار تنگتیم، بیا، بیا... ولی تو هیچ توضیح هم ندادی که ما نمی‌کنی. طالب اینی بود که
بکار آنکه B از این اشتباه فاحش خود متنبه شود فوراً در عدد توصیف کار بیا
و با لحنی کاملاً صریح می‌گفت "خبر! گوشه بار گشتی بیا و بار گشتی!!!"

۶- A و B بار خود را روشن کردند و غیر توده را خود با صاحب خانه و مستاجرین
توانسته بودند و در واقع خواهسته بودند در وقت لازم با آن بگویند از آن اطلاعات
اولیه لازم را به دست آورند، محله خود را با تکرار و تکرار متوجه و... در ذهن آنها جا
بیا نداشتند و فاصله با پوشش با محیط خود را در محلی جای نداشتند. فی‌السنه آنها با تکرار

تنها متاجر می که در اتاق مجاورش بوده (دفتر حاجی و شوهوش) و در سرت ۱۰۰ ماه
 ماییت دیگر تجویس با آن دوست شده و هوشش می خوردند تا که کلام و عیبت قبل
 و خالی دانسته اند در حالیکه او عیبت از قفسش بوده و در صدر خود آدمی اهل معاش
 و بقیل معروف "بحوش" بود. A و B صی از اقسن بخیاط نیز قدری گرفتار
 داشتند و صی B به بانه شلوغ بود و بخیاط و بخیاط زن و دختر در بخیاط
 چندین بار در داخل اتاق و در ظرفی که بهار رفع حاجت C و D تهیه شده بود
 (چون آنها مخفیانه رفت و آمد می کردند و در چند روزی که موقتاً آنجا بودند قرار
 شده بود که صی القدر در وجودش در خانه کتبه محسوس باشد) رفع حاجت
 عذره بود!! این ارتقا بعد از یک ماه هنوز شغل تمام متاجرن (۸-۹ متاجر)
 انهم دانسته و صی تمام آنها را نیز می شناسند و وقتی که C هنگام ورود نمایان
 جدید از متاجرن و شغل آنها و ... از A سوال کرد و اینکه چرا تا بحال چنین
 اطلاعاتی را بدست نیاورده اند A با تعجب می پرسد "آفرینطور ما شغل همه آنها
 را بدانیم؟" مجموعه بر خود را در دستگیرانه A و B و عدم هوشش با اهل خانه
 و جانداختن صاحب خود در خانه و رفت و آمد هر نیمه مخفی و ... طبقاً با عیبت
 کجکاو و مشکوکانه از در صاحب خانه و متاجر میگردش کرده بوده. این مشکوکیت ضعیف
 و در عمق از بطلان و عدم تجربه و محل ساز لازم و مناسب بهار رفت و آمد C بخانه و
 مخفی و مانند هیچ ناشیب او در خانه باعث شده و وقتی که در دور از موضع تا غروب در
 خانه مانده بوده صاضی نه باو مشکوک شود. او در صحبت به B میگوید "آن سیر
 خانه مال C - میکاره است؟" هه! ش در خانه است ... کتاب می خواند و ... نلند
 قرار از ارفا کار ... بانه؟ البته من نمی گمانم که ما را می کارگیرد ... نکات
 کار خانه مال راهم همان اول دیده ام اما او ... در حالیکه او نکات کار خانه را از زنتان
 و ندیده بوده بعد از کسی C را در حال مطالعه کتاب ندیده بوده البته او سانه
 ذهنی از از دستگیر یک فردی از اهل مطالعه که در همان کوچه میگویند دانسته دارا بود

نتیجه گیری و کسب تجربه از این ضربه:

این واقعه تقریباً هیچگونه تجربه جدیدی از لحاظ تاکتیکی برابر زمانی سپهر ندارد.
 هر فعلی نیز با کمی دقت می تواند باشد که آنطور بافت روی احتیاطات بدون
 کشیدن نارنجک چه عواقبی می تواند داشته باشد، اینکه باید مدارک سوزاننده را
 از مدارک غیر سوزاننده جدا ساخت و یا ناپالم و وسیله آتش زدن مدارک در
 مواقع اضطرار را آماده داشت تجربه جدید نیست! ضابطه ای بوده که
 رعایت نکردن آن تعجب آورده است، اینکه مدارک اضافی مخصوص مدارک درجه
 اول را نباید جمع نمود و باید مرتب مدارک سوزاننده خود را تقصیه نموده و
 زباله ها را از بین بردن حرف تازه نیست، اینکه ردی از محل کار خود را نهان
 نباید داشت، اینکه نسبت به نگهداری یک دفترچه روز یا کلید که کار خطی
 به ما داده می شود باید احساس مسئولیت و حسیت ویژه را داشته باشیم و مثلاً
 آنرا در خارج خانه و در جایی بیگانه (البته محل آنرا چند نفر باید بداند) انداخته
 باید نسبت به سرفروختن امکانات امنیتی و غیره حساس مسئولیت کرد
 و ... هیچکدام تجربه جدیدی نمی تواند باشد این سائل مخصوص مبارزانی که
 در سطح مول فعالیت می کنند می باشد سائل پیش پا افتاده و از دور روشن تر
 باشد. حالا این سوال پیش می آید که آیا این ضربه مهم هیچ تجربه ای و هیچ
 نتیجه گیری برای اعضا گروه، مبارزان دیگر و مبارزان نداشت؟ خیر اینطور نیست
 معتقدین نتیجه ای که از این ضربه باید گرفت:

«تا کیلو بیشتر و هر چه بیشتر بر مبارزه با لیلر لیسیم امنیتی نظامی در سطح زمانی می باشد
 و از آنجا که هرگونه لیلر لیسیم از بالا نگاه هر طبعیه یا قسری که باشد، در این مرحله از فعالیت
 نیست که در آن واری لیلرال در عدد و بدست گرفتن رهبر ضعیف و نیروها را سواد و استفاده از

نیروها را آن در جهت منافع طبقاتی خود می یابند، و در این مرحله از حیث سازمان ما
 که گرایشات بورژوازیالیی از ان اف اصلی و خطرناک در دل تکنیکالای ما تشکیل می دهیم
 در واقع آب به آ سیاب بورژوازی لیبرال ریختن است، این مبارزه با لیبرالیسم
 انسانی نظامی دقیقاً محض مبارزه با افراتات بورژوازیالیی در پهنه تل انستی
 و نظامی می باشد. مادر یک مرحله ضربات ششی از انحلال طبقات فرار این کنترل کنیم
 بورژوازی لیبرال در درون سازمان خود می و هندی هم تبا یا فرا یکا را به آ خود در درون
 ر شده و حرات سالم سازمان بر دلش می بختیم می خورد لذا این وظیفه مهم تمام وقت
 که با هر شرایط و اوضاعی مسئولیت بر دلش کافی و با افزودن به آگاهی و دانش
 ما کمتری نیستی خود در حقیقی هرگز نه نظامی از ان لیبرالی در برابر خود و در
 سازمان باقیم و بی رحمانه با آن مبارزه خواهیم *

یکی از نظامیات گرایشات لیبرالی را مادر در ذهن گروه تحت مسئولیت قرار داده ایم
 یعنی جمع A و B می بینیم ما این افرات را در پهنه تل انستی - نظامی جنبه یک به تحلیل
 ایدئولوژیک - تاکتیکی ضربه افکار نارنجک و بوطمی شود بر روی کردیم. در واقع
 لیبرالیسم A و B ماصد و سابقاً زیاد تحت تاثیر آموزش و در واقع به آموزش
 محمود بوده است. محمود بعد از آن یک عاملی خارجی نقص زیاد در درگاه گرایشات
 لیبرالی درونی A و B داشته است و دقیقاً همین لیبرالیسم بوده که منجر به واقعه
 انفجار و گسترش ابعاد ضرس ضربه برگشته است. در واقع لیبرالیسم نه به انستی -
 نظامی این نظامی ضربه خوردن باید برابر ما تعجب آور باشد. تحلیل این ضربه بار
 دیگر این نظر را که "آندیه مبارزه ایدئولوژیک در دل سازمانی در تمام
 ابعادش تنها ضامن اجبار تجاری است که در خلال پراکنشی فوشن کب کردیم" *

* * * معنی بعد
 * در اینجا یکی دیگر توجه رفتار به عنوان "فراخوان" و وظایفی که در آن برای کارها
 سازمانی تعیین شده جلب می کنیم.

تا باید می‌کنند. «تا کی بیشتر در هر چه بیشتر بر مبارزه با الیه السیم استیلا می‌دری؟»
 این عدد ترین و بلکه تنها نتیجه گیر از شنیدن است که می‌توان و باید از این قریه
 گرفت. در زیر منظور تا کی بیشتر بجا از ضوابط این و نظام و تجاری که از
 گذشته داشته و یکبار دیگر بجا می‌آید اما از آنکه در واقع نوع ضرب بر مردم
 اهل این ضوابط و تجارب را می‌آوریم تا آنکه گوشه و کنار سال هفتاد باشند و قفا
 یا گروه‌های که آنرا اجرائی کرده و ضربه بر حال محتمل است چون اگر چه اشتباهات
 در این مورد بسیار فاحش بوده ولی سبب غیر قابل عذر برای این رفتار و این گوشه
 از این زمان را از سایر قسمت‌های آن جدا نمی‌کنند (مؤلفانه در رفع این اشتباهات
 نقائص بگویند):

۱- هر گاه از جمع شدن مدارک زائد بقبول مدارک درجه اول و مؤلفانه در خانه:
 الف - تصفیه مرتب و دوره از هر هفته و یا هر دو هفته یکبار تمام یاد
 داشته باشند (مجلسی، مدارک اخفاء و بار موشن)، تحلیل و اشتباهات...
 ب - خواندن مدارک و جوابات مؤلفانه و درجه اول (مجلسی نشریات استی -
 نظامی!) و از بین بردن یا در کردن آنها در اسرع وقت.

ج - از بین بردن مدارک هویت قبلی و بدون استفاده (قبضه اگر آلمان اسم و
 مستندات تورفتگی و باند) و یا پاک کردن آنها مشفق آن (ماتنه شناسنامه
 یا معانی) تا با استفاده مجدد خود یا دیگران آلوده نباشند.

د - کتابها و جداول معمولی و شواهد و... را تنها به آن اندازه که در یک نامه
 نزدیک می‌توانیم و فرصت مطالعه آن را داریم در خانه نگه داریم و این نامه

***: نقل از "تحلیل هنر با سال ۵۵" که در همین شماره نشریه آمده است. در
 این تو صیه می‌شود که زفا یکبار دیگر بخش "بر فور و اثر از یک با تا کیست
 دشمن" را از این تحلیل بخوانند.

زمانی مشروط بہ صلح و ایقان و امکان رفقا (مؤلفان) می باشد.

۴- هیچگونه ردی از کارخانه یا محل کار ما (عائده تجارت صنعتی ایلیا) نیستیم نه در ایران و نه
برای رفاقتی که بکار می رود نباید در منزل باشد.

۳ - شناسنامه و مدارک خدمت معطلی مورد استفاده فعلی یا (شناسنامه، گواهی، معافیت، کارت شرکت، ...) تماماً باید همراهان باشد و در صورت

ضربہ خوردل پاگاہ ہردلی در نظامی کہ مافاج از پاگاہ ہستم

مشتبهات جعلی مغلی مالو ضرور دیکھو ان کو اپنے حقیقی وار تکرم

ع - نگذاشتن عکس در خانه محض این برای رفقای که هستند بیس از آنها عکسها
جدا و با بدو مجرا برای شناسائی شان در دست نهد.

۵- داشتن نایاب و یک نسخه مطمئن برای آنش زود مدارک نوازانه می در مواقع اضطرار *

۶- حدابودن ظرف و محل گذر اندنشی ها از سیر مدارک .

۷- حدیثوں میں اللہ کی صفات اور احوال کی وضاحت و درستیوں پر انہ

۱ - داشتن سبزه کامل و مطمئن در مواقع اضطرار از هزینه آتلیه و وصل محدود

مد آگه علی گیرا: تخلیه می شود، فقط (دکتر دل دین وزیر این سیستم تدوین می شود)

۹ - دانش عباس در کتاب مدارک و... بحال از قاضی که نگارنده در این (مفوضه) را (سلام)

۱- به نارنجک به جهت ناپایداری آنرا بازرسی کرد و در مواقع ضروری آنرا

هم که نخواهیم نارنجک را از علف بیرون بکشیم باید بگونه ای گردن نارنج

اگر نت و کشید که در صورت لغو این انگشتان دور بدنه نیرونی به طبقه وار نیاید

۴۰ در این مورد به افاضائی و کتاب تکسیری و دستور العملی که در این دستم مکتوب خوانده

www.pdevkor.org

مکمل درجہ میں شریعت کے مطابق ہو۔

